

## فرجام رویای استحاله طلبان

رژیم جمهوری اسلامی که به حسب سرشت فوق ارجاعی خود، همواره با سرکوب و کشتار و اختناق به حاکمیت خود ادامه داده است، در موج جدید سرکوب، دست به یکرشته اقدامات ارجاعی همه جانبه زده است. یکی از این اقدامات، بازداشت مجدد زندانیان سیاسی سابق است. تاکنون گروهی از زندانیان سیاسی سابق بدون صفحه ۳

تحولات سیاسی چند هفته اخیر در ایران که در جریان آن، حکومت اسلامی بر دامنه اقدامات سرکوبگرانه خود افزود و اختناق را تشدید نمود، چشم انداز تحول اوضاع سیاسی ایران و نتیجه منازعات درونی هیئت حاکمه را روشن تر ساخت و ضربه خردکننده دیگری برموضعی جارچیان اصلاح در نظام سیاسی موجود و استحاله لیرالی آن وارد آورد.

((انتخابات) مجلس خبرگان ،  
منازعات حکومتی و مردم

چندین ماه است که رژیم پیامون سومین دوره "انتخابات" مجلس خبرگان جنجال برآهادنداخته است. جناهای حکومتی، ضمن تلاش برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای، برسر کسب کرسی های بیشتر این مجلس، با یکدیگر در حال کشمکش اند. با نزدیکتر شدن موعد برگزاری این "انتخابات" این منازعات و جنگ و جدالها نیز تشدید شده است.

بلوک حامی خاتمی، بعدازیک حمله کوتاه مدت بی رمق و کم دامنه به جناح مقابل و زیرسیوال بردن نظرات استصوابی شورای نگهبان و نقش و اختیار فقهای این شورا بعنوان یکانه منبع تعیین صلاحیت داوطلبین شرکت در "انتخابات" مجلس خبرگان، بفورت از این موضع عقب نشست و منتظر ماند تا شورای نگهبان "اعتدال" و "بیطری" را رعایت نموده و بمنظور ایجاد شور و شوق در بین مردم برای برگزاری "آبرومندانه" این مراسم هم که شده به کاندیداهای آن اجازه رقابت بدهد.

جناح سلطنتی نیز که در آغاز گرایش خویش را بدانعطا و گذشت های محدودی شان داده بود، بعد از عربیده کشی های خامنه ای در جمیع فرماندهان سپاه پاسداران و بالادر طلبان، توانست تهاجم گستردگی را علیه مطبوعات و نویسندهای سازمان دهد تا با مختص ترکیدن فضای جامعه نگاهداشت آن در فضای جنگ، بمنظور مقابله با جنبش های اعتراضی و سرکوب مبارزه توده ای، به استقبال "انتخابات" مجلس خبرگان برود و بدینوسیله راه را بر هرگونه انتقاد و مخالفتی باروش های این جناح برای دست اندزایی بهاین مجلس، مسدود نکند.

در چنین فضایی است که این جناح و فقهای شورای نگهبان آن از ۲۹۶ داوطلب نمایندگی، بلا قاصله صلاحیت ۷۰ نفر را در میکند. نفر نیز برای گذراندن امتحان ورودی به کنکوری که شورای نگهبان در مدرسه فیضیه قم گذاشته بود دعوت می شوند که عده ای از شرکت در آن خودداری و عده دیگری انصراف میدهند و خلاصه از مجموع داوطلبین صلاحیت نامزدی حدود ۱۶۱ نفر به تائید فقهای شورای نگهبان میرسد و صلاحیت مابقی و تقریباً تمامی چهره های شناخته شده ائتلاف حامی خاتمی از جمله موسوی خوئی ها، محشی، مجید انصاری، عبدالله نوری، هادی خامنه ای و ... رد میشود. فقهای شورای نگهبان برای بیطرفا نه جلوه صفحه ۴

## ورشکستگی مالی دولت و تشدید و خامت شرایط معیشتی زحمتکشان

ابعاد وسیع تری انجام بگیرند. این اوضاع نشان میدهد که از هم گسیختگی اقتصادی به نهایت خود رسیده است. رکود همه جانبی تولید حاکی از عمق و ژرفای بحران اقتصادی موجود است. با تشدید بحران اقتصادی، بحران مالی دولت به نقطه اوج خود رسیده است. دولت رسمماً و علناً اعلام ورشکستگی کرده است. سازمان برنامه و بودجه یک لایحه جدید برای تصمیم گیری اضطراری در مورد کسری بودجه، به مجلس ارتتعاجارانه داده و گفته است چنانچه سریعاً در این مورد تصمیم گیری نشود دولت نمیتواند حقوق مهربانه کارمندان و کارگرانی را که در بخش دولتی کار میکنند پردازد. در این لایحه پیشنهاد شده است که مجلس موافقت کند، دولت تمام کارخانه ها و موسسات تولیدی را که در اختیار دارد به بخش خصوصی بفروشد. نفت را پیش فروش کند.

اوراق قرضه منتشر نماید، از بانک مرکزی مقداری کلانی پول قرض کند و ... ارائه این لایحه از سوی سازمان برنامه و بودجه به مجلس، نشان میدهد که بحران مالی دولت ابعاد کم سابقه ای به خود گرفته است. دولت راه دیگری در برابر خود نمی بیند الا این که چوب حراج بر موسسات تولیدی و خدماتی، بزند، نفت را به قیمتی های تازل پیش فروش کند، دست به استقرار از بانکها بزند تا امور روز مره خود را بگذراند. البته در چند ماه گذشته، همین اقدامات در محدوده ای انجام گرفته است. نفت را پیش فروش کرده اند، دست به استقرار از سیستم بانکی زده اند، تدارک فروش شرکت های دولتی را دیده اند و مالیات های غیر مستقیم را افزایش داده اند. اما چنین بنظر میرسد که این اقدامات در این حد کفایت نکرده و حالا باید در

### دراين شماره

۱۵۴	اطلاعیه های تشکیلات خارج کشور سازمان
۲	خبری از ایران
۱۶	یادداشت های سیاسی
۱۳، ۱۰	اطلاعیه های سازمان
۸	کمک های مالی رسیده
۱۱	اخبار کارگری جهان
۱۳	زنان و حاکمیت اسلام ناب در افغانستان
۵	تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۳)

معلمان، تجربه شکل گیری و از هم پاشی یک تشكل صنفی ← ۹

اطلاعیه  
شرکت در انتخابات  
رأی به استبداد است



## اطلاعیه

## شرکت در انتخابات رای به استبداد است

جمهوری اسلامی، تبلیغات گسترده‌ای را برای تشویق مردم ایران به شرکت در انتخابات مجلس خبرگان سازمان داده است. سران حکومت و جناح‌های مختلف هیئت حاکمه با سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود از مردم می‌خواهند که در این انتخابات شرکت کنند.

این تبلیغات گسترده در شرایطی انجام می‌گیرد که توده‌های مردم ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی و آزادی های سیاسی محروم اند، ماهیت فوق ارتضاعی حکومت اسلامی را به خوبی می‌شناسند و کمترین توهیمی به بیهود اوضاع، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند.

مردم ایران طی ۲۰ سال حاکمیت ننگین حکومت اسلامی به تجربه دریافتند که در نظام ضد دموکراتیک و ارتضاعی اسلامی، انتخابات قلابی و بی معناست و نمی‌توانند با شرکت در انتخابات چیزی را تغییر دهند. در کشوری که آزادی سیاسی وجود ندارد، احزاب سیاسی مختلف آزاد نیستند و مردم نمی‌توانند آزادانه نمایندگان خود را برگزینند. در کشوری که یک مستبد مرجع به نام ولی فقیه که نه منتخب مردم است و نه به کسی حساب پس می‌دهد، خودرا در رأس امور کشور قرار داده و شورای نگهبانی را منصوب کرده است که هر چند وقت یک بار عده‌ای را از طرفان حکومت به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری انتخاب و به مردم می‌کوید که شما حق دارید از میان منتخبین من کسی را برگزینید، انتخابات تماماً قلابی و بی معناست.

انتخابات ریاست جمهوری که در جریان آن عده‌ای با تبلیغات عوام‌گردانی خود، مردم را به پای صنوفهای رأی کشانند و ادعا کردنند که اگر خاتمی انتخاب شود، اوضاع تغییر خواهد کرد، باز هم این حقیقت را در برابر مردم قرار داد که همه جناح‌های حکومت اسلامی سرو ته یک کرباسند و چیزی تغییر نکرد. خاتمی انتخاب شد اما وضع به روال سابق ادامه یافت. نه تنها مردم آزادی به دست نیاوراند و شرایط زندگی آنها بهتر نشد بلکه اوضاع اقتصادی و معیشتی توده مردم وخیم تر شد. اگر در جریان این انتخابات چیزی عاید مردم نشد، اما رژیم از این که بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم در انتخابات شرکت کرده بودند، سوء استفاده‌های سیاسی و تبلیغاتی فراوانی کرد و کوشید آن را دلیلی بر حمایت مردم از رژیم جمهوری اسلامی اعلام کنند اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی تصور می‌کند که با تبلیغات گسترده خود می‌تواند بار دیگر مردم را به پای صنوفهای رأی بکشاند، اما توده‌های مردم ایران به قدر کافی از انتخابات ریاست جمهوری آموخته اند که دیگر به تبلیغات سران حکومت و جناح‌های مختلف آن اعتنای نکنند. مجلس خبرگان، این نهاد فوق ارتضاعی حکومت اسلامی که وجودش بازترین تجلی تلقیق دین و دولت و سلطه ارتضاع اسلامی است، وظیفه ای ندارد جز اینکه از رژیم ارتضاعی اسلامی و استبداد ولی فقیه پاسداری کند. شرکت در چنین انتخاباتی معنای جز رأی دادن به استبداد و تداوم آن نخواهد داشت.

توده‌های مردم ایران باید دست رد بر سینه حکومت بزنند. انتخابات را تحریم کنند و برای برافکنند رژیم جمهوری اسلامی آماده شوند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

مهرماه ۱۳۷۷

## کار- نان - آزادی - حکومت سورائی

نفهمیده باشند، این به نفهمی و کودنی خود آنها مربوط است. حکومت اسلامی و همه دست‌اندرکاران آن مطمئن باشند که در این بازی‌های حکومتی، مردم اجازه نخواهند داد کسی و یا جناحی از حکومت، آنان را بازیچه دست خود قرار دهند. مردم از این باصطلاح انتخابات استقبال نخواهند کرد و باستی بطور یکارچه آن را تحریم کنند. شرایط، شرایط دوی خرد دنیست. همه دستها بیش از گذشت رو شده است. اکثربیت عظیم مردم، زنان، جوانان، کارگران و زحمتکشان نه دنبال افتادن چند کرسی کمتر یا بیشتر مجلس ارتضاع بدست این یا آن جناح حکومتی، که در پی تعیین تکلیف قطعی با تمامی این نهادهای ارتضاعی اند. آنان خواستار آزادی و رهایی از اسارت حکومت اسلامی اند!

تداوم فقر و سرکوب و بدیختی تعیین کند! جالب این استکاهای نمایشات عروسکی زمانی دارد اجرای می‌شود که کار مردم مدها است از حد مسخره کردن این خیمه شب بازیها گذشت است. مردم از این بازیها تهوع آور و تفرانگیز، واقعاً خاسته شده‌اند. این نمایشات تکاری و آخوندباری های عهد عتیقی حال آنها را بهم می‌زنند. مردم نیازی به خبرگان و مجلس آن ندارند. مردم باید نظام و همه شارلاتانهایی که بخود جرات میدهند تا شعورو آگاهی آنان را به بازی یا به هیچ بگیرند آشکارا به آنان اهانت کنند، جز نفرت و کینه چه چیزی دارند که تثارشان کنند؟

واقعیت این است که دوران این شعبدیه بازیها خاتمه یافته است. سران رژیم اگر هنوز این را نفهمیده‌اند یا

## (انتخابات) مجلس خبرگان ، ...

دادن عمل خویش و بستن راه اعتراض بر جناح مقابل، معدودی از افراد وابسته به جناح خویش، نظیر عسکر اولادی را نیز در لیست حذف شدکان قرار میدهد. نیروهای تشکیل دهنده بلوک حامی خاتمی گرجه با رها و بارها از زاویه "آبرو" و "اقتدار نظام" به شورای نگهبان هشدار داده بودند که این یک جانبه نگری پرهیز نموده و "خطی عمل نکند، چرا که این مسئله موجب "دلسردی" و "کاهش حضور مردم" می‌شود، اما شورای نگهبان با صدور بیانیه هایی اقدامات خویش را قانونی خواندگان نیروهارا بدانجا کشاند تا سخنان احتیاط آمیز و تردید برگزینی را در زمینه نحوه "بر خورد همراه" خویش با مستله انتخابات مجلس خبرگان بر زبان برآوردند. امایش و پیش از آنکه بخواهند حرف صریح و مشخصی بزرگ آورند یا بآقدم معینی دست بزنند، عاجزانه از "رهبر" تقاضا کردن تا خود برای "تقویت نظام" و "حفظ مصالح مملکت" آستین هارا بالا زده در قضیه دخالت کرد و "تردیدی" را که در "گروههای سیاسی" برای مشارکت در "انتخابات" ایجاد شده از میان بردارد. خلاصه آنکه مجموعه شکوه ها و اعتراضات خرد و ریزو فشارهای این ها که توسط جناح مسلط حسابی عقربانه شده بودند، سرانجام خاتمی را به ملاقات با خامنه‌ای و شورای نگهبان کشاند تا در آنجا برسرچند کرسی به چانه زنی پرداز.

اگر جناح مسلط حکومتی کماکان برآن است تا به یکه تازی خویش ادامه داده و مجلس خبرگان را نیز همچون گذشته در قبضه خود داشته باشد، در عوض تمام هم و غم بلوك حامی خاتمی آنست که سهمی و لوسهم کوچکی هم در این میان به آنها داده شود و به تصاحب چند کرسی این مجلس هم رضایت دارد. تتابع مذااعات و چک و چانه زدن های میان مترجمین هرچه باشد، در هر صورت فرقی در اصل قضیه نمی‌کند و در هر حال مسئله برهمه کان روشن است که بحث و دعوا اینها، برسرداشتن قدرت و نفوذ بیشتر در یک نهاد ارتضاعی و ضد مردمی به نام مجلس خبرگان است! مجلس خبرگان چیست؟ مجلس خبرگان مجلسی است مرکباز چند ده فقیه و مجتهد که وظیفه اش تعیین "رهبر" و نظارت بر کار اوست! اعضاء این مجلس که همگی یا توسط فقهای شورای نگهبان گزین می‌شوند (یعنی فقهائی که خود منتخب "رهبر" اند! و در عین حال از اعضاء همین مجلس هم هستند!) یا مستقیماً توسط "رهبر" تائید می‌شوند! (کدراینصورت نیازی به تأیید صلاحیت آنها توسط فقهای شورای نگهبان نمی‌ماند) می‌خواهد از میان فقها و مجتهدین، یک نفر را بعنوان "رهبر" مملکت تعیین کند و برکاراین "رهبر" هم که خود "مجتهدی است منصوب شده از طرف امام زمان" و "ولی فقیه" هم هست، نظرات داشته باشد؟!! این بازیهای چندش اور آیا مسخره نیست؟ از مسخره هم مسخره تراست و البته که همین مسخره بازی و مضحكه، در حکومت اسلامی نامش "انتخابات" است. همین مضحكه عین انتخابات است در جمهوری اسلامی! و به راستی که هر چیزی، هروژه و هر مقوله‌ای که در این حکومت معنی داشته باشد، مقوله انتخابات یقیناً پوچ و بی معنی است و هیچ جایگاهی در این نظام ندارد. تو گوئی که مشکل و مسئله مردم این است که کدام فسیل، کدام مرجع از کدام مرکز دینی و حوزه علمی! کدام کودن و مرجعی را برای حکومت کردن برآنها و

تا در گیر و دار این تشنج، اهداف داخلی خود را در زمینه تشدید سرکوب و اختناق عملی سازد. لذا توام با هیاهو و تبلیغات جنگی و انجام مانورهای نظامی در مناطق مرزی، اقدامات سرکوب‌گرانده رژیم شدت گرفت. خامنه‌ای دریکی از سخن‌رانیهای خود فرمان حمله را صادر کرد و از دستگاه‌های سرکوب نظیر وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و وزارت ارشاد اسلامی خواست که هرچه سریعتر، نشریاتی را که گویا پای خود را از حریم های "قانونی" و "شرعی" ببرون نهاده تعطیل کنند. در پی این سخنرانی تعدادی از نشریات، تعطیل شدند. اکنون دیگر، این جناح مسلط نیست که از برچیدن برخی از نشریات دفاع میکند، بلکه ائتلاف خاتمی نیز طرفدار همین سیاست است. تعطیل روزنامه توسعه نموده ای از سیاست واحد دو جناح بود. پیش از آن که خامنه‌ای فرمان حمله را صادر کند و دستگاه قضائی و اطلاعاتی رژیم دست به کار شوند، محتشمی، مشاور خاتمی و از سران مجمع روحا نیون برای تعطیل این روزنامه به جناح مسلط چراغ سبز داد. او در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که این روزنامه مورد تائید رئیس جمهور نیست.

جناح کارگزاران نیز از همین مواضع دفاع کردند. وزیر ارشاد اسلامی که از سران گروه کارگزاران است به مخصوص این که خبر تعطیل روزنامه توسعه را شنید، در مصاحبه خود با روزنامه السفیر در لبنان گفت: اگر من هم عضو هیئت منصوب مطبوعات بودم، خواستار بستن این روزنامه میشدم. او در مصاحبه دیگری که پس از حضور در جلسه غیرعلنی مجلس ارتجاع اسلامی داشت، گفت که این روزنامه پا را از محدوده "آزادیهای مشروع" فراتر نهاده بود و افزود، "نهایتاً به این تحلیل رسیدم که روزنامه جامعه و بعداً توسع، روزنامه ای نیست که به لحاظ حرفة ای در چارچوب روزنامه قرار گیرد. بلکه در چارچوب یک حرکت سیاسی قرار دارد."

دستگاه قضائی حکومت جرم این نشریه را درج مصاحبه بارئیس جمهور اسبق فرانسه، ژیسکار دستان و اهانت به خمینی ذکر کرد. چرا که در این مصاحبه آمده بود که خمینی به هنگام ورود به پاریس تقاضای پناهندگی کرده است و مقامات حکومت اسلامی این گفته را الهات به خمینی اعلام نمودند. کاملاً روشن است که این ادعا پایه و اساسی ندارد و صرفاً بهانه و توجیهی برای تعطیل توسع بود.

واقعیت امرایین است که دیگر، سران جمهوری اسلامی و از جمله خاتمی نیازی به این نشریات ندارند و این که آنها مدافعان حکومت اسلامی باشند و دست اندراکاران اصلی آنها پاسداران و ماموران اطلاعاتی سابق.

## فرجام رویای استحاله طلبان

اسلامی از آزادیهای سیاسی محروم بوده اند. دوران زمام داری خاتمی نیز تغییری در این اوضاع پدید نیاورد و اصولاً نمی‌توانست پدید آورد. با این وجود توازنی که در جریان انتخابات خردمندانه سال گذشته میان جناحهای رقیب شکل گرفت و تاکتیکهایی که خاتمی برای نجات رژیم پیشنهاد کرده بود، ایجاب میکرد که در محدوده ای بویژه در عرصه فعالیتهای مطبوعاتی به دستگاه طرفدار حکومت اسلامی آزادیهایی داده شود. اما در عین حال بدیهی بود که این وضع نمیتواند دوام آورد چرا که اولاً در ذات و ماهیت حکومت اسلامی نیست که در همین حد آزادی و رقابت گروهها و جناحهای طرفدار حکومت را بپذیرد. ثانیاً جناح رقیب ائتلاف خاتمی از همان آغاز به شدت با دادن هرگونه امتیاز و در همین محدوده محقق، دادن آزادی عمل به جناحهای دیگر مخالف بود. ثالثاً توازنی که در آستانه انتخابات میان رقابتهای رقیب حکومت برقرار شد توازنی ناپایدار بود که الزاماً می‌باشتی برهم به خود و چنین نیز شد.

در طول یکسال گذشته اوضاع اقتصادی و خیم تر شد. شرایط زندگی توده مردم مشقت بارتر گردید. اختناق و بی حقوقی مردم تداوم یافت. نتیجتاً دامنه اعتراضات و مبارزات مردم گسترش یافت. عملاً بر بخش نا آگاه و متوجه مردم نیز این حقیقت روشن شد که از خاتمی هم کاری ساخته نیست. او نه میتواند و نه میخواهد کاری به نفع توده مردم انجام دهد. جناح مسلط که اصلی ترین ابزارهای دستگاه دولتی را به انحصار و تحت کنترل خود درآورده است، کوشید که آرام آرام با تعرضاً مدام، جناح رقیب را به عقب نشینی و ادارد و موقعیت خود را مستحکم تر کند. این جناح از گذشت زمان به نفع خود بهره برداری کرد و منتظر فرا رسیدن لحظه مناسب برای وارد آوردن ضربات قطعی تر بود. استیضاح و برکناری عبدالله نوری از وزارت کشور، عمق ناتوانی ائتلاف طرفداران خاتمی را بر ملا کرد. وزیر کشور جدید کابینه خاتمی، دیگر حتی بمکروه دانشجویان طرفدار خاتمی هم اجازه گردهم آئی هائی نظیر چند ماه گذشته را نداد. تعرضاً جناح مسلط به جناح مقابل تا بدانجا پیش رفت که گروههای حزب الله دو عضو کابینه خاتمی را تک زدند. اکنون دیگر تنها این مانده بود که چند نشریه ای که در شرایط خاصی مجوز انتشار آنها صادر شده بود، برچیده شوند. تشنج در مناسبات حکومت اسلامی ایران و افغانستان و کشته شدن تعدادی از باصطلاح دیپلماتهای جمهوری اسلامی ایران، فرست مناسبی بویژه برای جناح مسلط هیئت حاکمه بود،

هر گونه دلیلی بازداشت و روانه زندان شده اند. اقدام دیگر، تعطیل برخی نشریات بوده است. مطبوعات قانونی باوجود این کاکتل آنها و استه به رژیم و باندهای درونی آن هستند و مستقل ترین آنها ادعایی جز تلاش برای حفظ و ابقاء تضییقات و سرکوب های جدیدی روبرو شده اند. روزنامه توسع تعطیل شد و هیئت نظارت بر مطبوعات، امتیاز انتشار آن را لغو نمود. دادگاه انقلاب اسلامی رژیم به همین حد اکتفا نکرد، با صدور اطلاعیه ای حکم جلب پنج تن از دست اندراکاران این نشریه را به "اتهام فعالیت علیه امنیت کشور، منافع ملی و ضدیت با نظام مقدس جمهوری اسلامی" صادر نمود و آنها را بازداشت و روانه زندان کرد. مدیر مسئول ماهنامه انتشار این ماهنامه هم لغوگردید. نشریه محلی نوید اصفهان نیز به همین سرنوشت دچار شد. چند نشریه دیگر نیز که با تهدیدهای رسمی و غیر رسمی روبرو شده اند، ظاهراً صلاح دیدند پیش از آن که کارشان به دادگاه، جریمه نقی، زندان، لغو امتیاز انتشار نشریه و احیاناً اتهام اقدام علیه امنیت کشور بکشد، خود، انتشار نشریاتشان را متوقف سازند.

خبرگزاری رسمی رژیم نیز در امان نماند. یکی از معاونین و نیز مسئول بخش خبر آن به بهانه دیگری به دادگاه فراخوانده شدند، و پس از یک روز زندان به قید ضمانت آزاد شدند. سران رژیم در موج جدید سرکوب مطبوعات، پرده ها را یکسره کارزده و قواین و ارکانهای ارجاعی خود را نیز به کنار نهاده اند. دادستانی کل حکومت اسلامی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که "هیاتی در دادستانی کل کشور، جهت بررسی تخلفات مجموعه جرائد و نشریات کشور تشکیل شده است." در این اطلاعیه از مردم خواسته شد که "تخلفات جرائد کشور را به این هیأت گزارش کنند." تشکیل این ارکان در دادستانی کل رژیم عملی به معنای تعطیل هیئت منصفه مطبوعات دست نشانده رژیم است.

دستگاه جاسوسی و سرکوب موسوم به وزارت اطلاعات که یک پای اصلی بگیر و بیندهای اخیر حکومت است، تعدادی از نویسندها را دستگیر و مورد بازجویی قرار داده است. به آنها هشدار داده است که چنانچه حرفی بزنند یا بحثی از کانون نویسندها به میان آورند، سروکارشان بازندان خواهد بود. گروهی نیز از این نویسندها دستگیر شده و روانه زندان شده اند. این موج جدید سرکوب و اختناق، در واقع بیانگر هراس هیئت حاکمه از رشد اعتراض و نارضایتی توده ای در نتیجه و خامت روزافزون اوضاع اقتصادی و بی حقوقی مردم است و در همان حال نتیجه تحولات سیاسی چند ماه گذشته و برهم خوردن مدام توازن قوا به نفع جناح مسلط است. واقعیت این است که توده های مردم ایران در طول تمام دوران حاکمیت جمهوری

**اطلاعیه تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)  
دوباره قتل سمیرا آدامو توسط ماموران پلیس بلژیک**

## سیاستهای ضدپناهندگی دولتهای اروپایی قربانی قاچه‌ای گرفت

روز سه شنبه ۲۲ سپتامبر، ماموران پلیس بلژیک یک زن جوان نیجریه‌ای را که درخواست پناهندگی اش رد شده بود، به زور به داخل هواپیما بردنداشتند تا به نیجریه بازگردانند. ماموران وقتی با مقاومت زنند. جوان در برابر دیبورت رویرو شدند، به ضرب و شتم او پرداختند، سپس بالشی را بر روی صورت او گذاشتند و آنقدر فشار دادند تا سمیرا جان سپرد.

سمیرا ۲۰ سال داشت. چندی پیش خانواده اش قصد داشتند او را به عقد ازدواج مردی ۶۵ ساله درآورند که سه زن دیگر نیز داشتند. سمیرا برای فرار از این ازدواج ننگین، از نیجریه گریخت، خود را به اروپا رساند و در بلژیک تقاضای پناهندگی نمود. تقاضای پناهندگی او رد شد، فرام خواهی‌اش نیز بی شعر بود، وزیر کشور بلژیک در توجیه ره پناهندگی سمیرا گفت حتی طبق قوانین بین المللی نیز، فران از ازدواج تحییلی، دلیل موججه برای تقاضای پناهندگی نیست. دولت بلژیک حتی حاضر نشد به دلائل انسانی به سمیرا اجازه اقامت بدهد. حکم دیبورت سمیرا صادر شد. طی ۶ ماه گذشته، ۵ بار تلاش کردند حکم دیبورت را از جراحت است. ماموران سیمیرا را در کمپ بسته ای تحت مراقبت شدید امنیتی قرار دادند. او اجازه خروج از کمپ را نداشت. سرانجام روز ۲۲ سپتامبر پلیس که تصمیم گرفته بود به هر ترتیب که شد بر اقامت سمیرا در بلژیک تقطه پایان بگذارد، ۱۱ مامور را مستول اجرای حکم اخراج او نمود. ماموران سمیرا را به زور از کمپ به فروگاه و داخل هواپیما انتقال دادند و وقتی با مقاومت او روبرو شدند، با قتل سمیرا به اقامت او در بلژیک پایان دادند. سمیرا تنها به این جرم به قتل رسید که نمی‌خواست به نیجریه برگردد و به ازدواج تحییلی با مردی تن دهد که بیش از سه برابر او سن داشت. سمیرا از نیجریه گریخت تا از قوانین و سنت‌های ارتقاگویی که بر زندگی او و هزاران زن مشابه پنهنج گشته‌اند، رهایی یافد، اما در اروپای «متمن»، قوانین و مقررات ضدپناهندگی دولت بلژیک و رفતار غیر انسانی ماموران پلیس این کشور جان او را گرفت. قتل وحشیانه سمیرا نمونه‌ای از اقدامات پناهندگی سیزی و غیر انسانی دولت‌های اروپایی است که طی چند سال گذشته روز به روز شدت گرفته است.

طی چند سال گذشته دولت‌های اروپایی با تصویب قوانین و مقررات ضدپناهندگی، اقدامات گسترده‌ای انجام داده اند تا رود پناهجویان به اروپا را هر چه بیشتر محدود کنند. پناهجویانی که موقق می‌شوند با مشکلات سیار وارد کشورهای اروپایی شوند، سالها در کمپ‌های پناهندگی که غالباً فاقد امکانات بهداشتی، درمانی، رفاهی، آموزشی، و حتی مسکن مناسب هستند بلاکلیف به سر میزند و مورد بدرفتاری و آزار و ایت ماموران ارگانهای مختلف قرار می‌گیرند. رد تقاضای پناهندگی پناهجویان به دلایل واهمی، فشارهای روانی که بر پناهجویان وارد می‌شود، و خطر دیبورت که هر لحظه در کمین پناهجویان است، موارد متعدد از خودکشی در میان پناهجویان را سبب شده است. در مواردی نیز ماموران پلیس بیشترانه به ضرب و شتم پناهجویان می‌پردازند و حتی آنها را به قتل می‌رسانند. قتل سمیرا آدمو یک مورد از این اقدامات وحشیانه است.

**تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۲۴ سپتامبر ۱۹۹۸**

بسیار محقر بورژوائی آن رفرم پذیر نیست. لذا توهم پراکنی استحاله چیان در مورد بهبود اوضاع در چارچوب حکومت اسلامی و تلاش ارتقاگوی آنها برای امیدوار کردن مردم به اقدامات باصطلاح اصلاح طلبانه خاتمه با شکست و رسوسائی به فرام خود رسید. اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در چند هفته اخیر، بار دیگر این حقیقت را عربان تر از همیشه نشان داد که اسلام و آزادی را نمیتوان آشتنی داد. حکومت مذهبی با آزادی دشمنی آشتنی ناپذیر دارد. با افساء و شکست سیاستهای خاتمه و نیز شکست توام با رسوسائی همه کسانی که ادعای میکردند که میشود حکومت مذهبی را اصلاح کرد و با این توهم پراکنی ها خاک به چشم توده های مردم می پاشیدند، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قطعیت بیشتری می یابد، و مردم برای نجات از شر مصائب و فجایعی که این رژیم به بار آورده است، استوار تر به پا می خیزند.

ایران، دفاع و پاسداری کند. وبالاخره به این واقعیت باید اشاره کرد که در نتیجه تحولات چند ماه گذشته، توازن قوا میان جناحهای رقیب چنان تغییری کرده و جناح مسلط در موقعیتی قرار گرفته است که اکنون میتواند بدون هرگونه درگیری جدی جناحها، حتی از ورای قوانین موجود دست به اقدامات سرکوبگرانه بزند. نشریات مخالف را تعطیل کند و عده ای را بازداشت و به زندان بفرستد.

تمام این تحولات نشان میدهد که سیاست های اعلام شده خاتمه در دوران انتخابات ریاست جمهوری با شکست قطعی روبرو شده است. این بدان معناست که رویاهای استحاله طلبان مبنی بر استحاله لیبرالی جمهوری اسلامی از طریق رفرمها که دهندو یا جریانات سیاسی شکل بگیرند که کاملاً در چارچوب سیاستهای رژیم حرکت نمی کنند. این جناح اکنون ترجیح میدهد که با جناح مسلط به و بستان کند، تا حدمکن موقعیت خود را به عنوان سهام داردستگاه حاکمه حفظ نماید و از موجودیت رژیم جمهوری اسلامی در برابر تعارضات توده های مردم

وزیر ارشاد حکومت اسلامی در مصاحبه خود تا حدودی به علت اصلی تعطیل نشریات اشاره کرد. او گفت: این نشریات پارالیز محدوده "آزادیهای مشروع" فراتر نهاده بودند. در اواقع هم، برخی از این نشریات پا را از محدوده "آزادیهای مشروع" فراتر گذاشتند بودند و کتابیش خواهان محدود کردن اختیارات ولی‌فقیه بودند. این تلاش در حکومت اسلامی جرمی بزرگ و ناخوشونی است که حتی باصطلاح چپ ترین گرایش ائتلاف خاتمی هم نمیتواند آنرا تحمل کند. فعالیت، تنها در چارچوب قوانین موجود و سلطه استبدادی ولایت فقیه مجاز است. کسی که از این حد فراتر رود، پارا از محدوده "آزادیهای مشروع" فراتر گذاشته است. جرم برخی از این نشریات به ادعای وزیر ارشاد اسلامی این است که از این حد تجاوز نموده و برابی شکل دادن به یک جریان سوم، متشکل از نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب ملت ایران، جنبش مسلمانان مبارز و جریاناتی از این دست تلاش می‌کرده اند. اگر تا چندی پیش خامنه‌ای و جناح مسلط در مورد خطر شکل گیری جریان سوم هشدار می‌دادند اکنون دیگر وزیر ارشاد حکومت اسلامی هم جرم بزرگ نشریات تعطیل شده را همین تلاش برای شکل دهنده به یک جریان سوم می‌داند. در اینجا این سوال مطرح می‌شود: مگر قرار نبودنیروهای رسمی ائتلاف خاتمی از جریاناتی که در چارچوب حکومت اسلامی، مبارزه قانونی کنند، حمایت نمایند. پس چرا امروز نیروهای این ائتلاف، مخالف شکل گیری یک جریان سوم هستند که خود را مدافعان حکومت اسلامی میدانند؟ چرا نشریاتی که در چارچوب حکومت اسلامی به انتقاد از سیاستهای آن می‌پردازند، تعطیل می‌شوند؟ پاسخ روشن است: این قرار و مدارها مربوط به دورانی است که زمان اش سپری شده است. و عده ها مربوط به زمانی است که بحثی از شکل گیری جریان سوم نیست و از این گذشته خاتمی هیچگاه وعده نداده بودکه از جریاناتی دفاع کند که از محدود کردن اختیارات ولی فقیه سخن میگویند، یا در نشریات خود از ولایت فقیه با شک و شبه صحبت کنند. خاتمی شاگرد خمینی بوده و هست و از قانون اساسی جمهوری اسلامی دفاع میکند. گذشته از این، ائتلاف طرفداران خاتمی بینک است که رشد و اعتلا جنبش توده ای به مرحله ای برسد که دیگر هیچ جناحی قادر به کنترل اوضاع نباشد. آنها نمی توانند تحمل کنند، نشریاتی به حیات خود ادامه دهند یا جریانات سیاسی شکل بگیرند که کاملاً در چارچوب سیاستهای رژیم حرکت نمی کنند. این جناح اکنون ترجیح میدهد که با جناح مسلط به و بستان کند، تا حدمکن موقعیت خود را به عنوان سهام داردستگاه حاکمه حفظ نماید و از موجودیت رژیم جمهوری اسلامی در برابر تعارضات توده های مردم

## تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۳)

### دوران انترناسیونال دوم

کنگره آمستردام

قدرت سیاسی مرتب ساخت و اعلام نمود که سوسیال دمکراتها تنها هنگامی قادر به اجتماعی کردن وسائل تولید هستند که قدرت را فرض کرده باشند.<sup>(۴۵)</sup> یکی دیگر از مسائل مورد بحث در کنگره آمستردام، اعتضاب عمومی توهدای بود. نفوذ گرایش راست و نیز مخالفت با موضع گرایش آنارکو-سنتیکالیست، تاکنون مانع از آن شده بود که اعتضاب عمومی به عنوان یکی از اشکال موثر مبارزه پرولتاریا، بصویب کنگره های انترناسیونال دوم بررسد. در فاصله دو کنگره پاریس و آمستردام، طبقه کارگر در چندین کشور از جمله بلژیک، سوئد، هلند، روسیه، اسپانیا به حربه اعتضاب عمومی و سیاسی متولی گردید و کارآئی این شکل مبارزه در عمل نشان داده شد، لذا در کنگره آمستردام بارگیر مسالمات اعتضاب عمومی توهدای مطرح گردید. گرایش آنارکو-سنتیکالیست از اعتضاب عمومی اقتصادی دفاع میکرد که با مخالفت کنگره روبرو گردید، چرا که آنارکو-سنتیکالیستها معتقد بودند که بدون تلقیق اعتضاب توهدای با دیگر اشکال موثر مبارزه، میتوان به نظام سرمایه‌داری پایان بخشید. قطعنامه دیگری در مورد نقش و اهمیت اعتضاب توهدای از سوی نمایندگان حزب سوسیالیست فرانسواره شد که اعتضاب توهدای را از ابراز مهمناگر مبارزه توهدای سیاسی و محرك انقلاب معرفی میکرد. این قطعنامه نیز عمدتاً با مخالفت جناح چپ سوسیال دمکرات هلندا را بشد که اعتضاب توهدای را سلاح مهمی برای دفاع از حقوق طبقه کارگر و بسط این حقوق معرفی میکرد که بسته به اوضاع میتوان از آن به عنوان آخرین حربه برای انقلاب استفاده کرد.<sup>(۴۶)</sup> این قطعنامه به تصویب رسید. برغم اینکه در این کنگره نیز تاکتیک اعتضاب عمومی سیاسی در نتیجه مخالفت جناح راست و مرکز رد شد، معهداً پذیرش قطعنامه فوق الذکر کامی به پیش محسوب میشد.

کنگره آمستردام، قطعنامه های دیگری از نیز تصویب رساند که مهمترین آنها قطعنامه های مربوط به بهبود وضعیت عیشتی و اجتماعی طبقه کارگر بود. در این کنگره، قطعنامه ای در مرور بدینه های اجتماعی تصویب شد که در آن تصویب قوانینی در زمینه حمایت از کار و بیمه از کار افتادگی و بیکاری خواسته شده بود. کنگره آمستردام در مجموع یک پیروزی برای جناح چپ‌جنبش کارگری و یک شکست برای جناح راست بود. معهداً این بمعنای شکست قطعی جناح راست نبود. با گرایش روزافزون جناح سانتریست به راست، جناح اپورتونیست \_ رفرمیست بیش از پیش تقویت میشد.

### نقش پیشناهار پرولتاریای روسیه در انقلاب ۱۹۰۵

نخستین سالهای آغاز قرن بیستم، با اعتلای روزافزون جنبش کارگری در روسیه همراه گردید. تحولات نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی و فرا رسیدن مرحله امپریالیسم و سلطه انحصارات و سرمایه مالی، تضادهای این نظام را بهمتر کرد. تشید نمود و شرایط را برای برپایی انقلابات اجتماعی در مقیاس جهانی هموار نمود. در این مقطع، روسیه به کانون تضادهای سیستم امپریالیستی تبدیل گردید و شرایط انقلاب بیش از هر کشور دیگری در اینجا فراهم گردید. قدم بر هر چیز، تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی به شدت حاد شده بود. استبداد تزاری که طبقه کارگر را از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی محروم کرده بود، استبداد سرمایه را به شکل مطلق آن حاکم کرده بود. طبقه کارگر روسیه در معرض استثماری خشن و حشیانه قرار داشت. شرایط مادی و معیشتی کارگران فوق العاده خیم بود. کارگران مجبور بودند که با دستمزدی بسیار نازل، روزانه ۱۰-۱۲ ساعت کار کنند. این بی حقوقی و استثمار هولناک، تضاد پرولتاریا با نظام موجود را به شدت حاد نمود و مبارزه طبقه کارگر را برای برافکدن نظام موجود شدید کرد.

تزاریسم با توسل به سعبانه ترین شیوه های سرکوب ملتاهی مختلفی را در چار چوب امپراطوری روسیه به بند کشیده بود. این سیاست ستمگرانه ملی، تضاد میان ملتاهی تحت ستم و در بند را با امپراطوری تزاری تشید نموده و به مبارزه

متلهای تحت ستم علیه تزاریسم و ستمگری ملی ابعاد وسیعی داده بود. تزاریسم در پی سیاستهای استعمارگرایانه و توسعه طلبانه برای احراق مناطق دیگر به روسیه، به نظامی کری افسار گسخته ای دست زده بود که نتیجه آن جنگ امپریالیستی روسیه و ژاپن بود. از این جهت نیز تشید تضادهای امپریالیستی در روسیه نمودی یافت. علاوه بر تضادهای فوق الذکر، تضادهای دیگری نیز در روسیه عمل میکردند که از ←

در ۱۴ اوت ۱۹۰۴ ششمین کنگره انترناسیونال دوم در آمستردام تشکیل گردید. در این اجلاس ۴۲۸ تن به نمایندگی از ۴۵ سازمان سیاسی و صنفی، کارگری از ۲۵ کشور جهان حضور یافتند. مبارزه ایدئولوژیک گسترشده ای که پس از کنگره پاریس، از سوی جناح چپ جنبش کارگری علیه رویزیونیسم، صورت گرفت، نشان میدارد که کنگره آمستردام عرصه درگیری جدی دو خط مشی خواهد بود. با گشایش کنگره نیز روشن شد که اصلی ترین مساله مورد بحث، قطعنامه کنگره پاریس در مورد شیوه برخورد به شرکت سوسیالیستها در کابینه های بورژوازی است. جناح چپ که با آمادگی بیشتری در کنگره حضور یافته بود، از همان آغاز در موضوعی تعزیزی قرار راست و نفوی شرکت سوسیالیستها در کابینه های بورژوازی ایراد کردند. گسد، قطعنامه ای ارائه داد که بخش اعظم آن از قطعنامه ضد رویزیونیستی کنگره در سین حزب سوسیال دمکرات آلمان اخذ شده بود. این قطعنامه که مورد حمایت روزا لوکزامبورگ، پلخانف، لینین، بیل و کائوتسکی قرار داشت، رویزیونیسم و شرکت در کابینه های بورژوازی را محکوم و مردود اعلام میکرد. جناح راست به رهبری ژوره که از پیشبرد موضع خود مایوس شده بود، ادعا میکرد که انترناسیونال نمیتواند تاکتیکهای جنبش بین المللی کارگری را تعیین کند، و البته شرکت در کابینه های بورژوازی را نیز مساله مربوط به تاکتیکها معرفی میکرد. ضمناً برای اقیت این حق را قائل میشد که از پذیرش تصمیمات کنگره سرباز زند. جناح راست با این موضع در انفراد کامل قرار گرفته بود که بار دیگر گروهی از سانتریستها امثال واندر ولد و آدلر تلاش نمودند با اصلاحاتی در قطعنامه پیشنهادی جناح چپ، جناح راست را نجات دهند و چیزی نظیر قطعنامه پاریس تصویب کنند. علی رغم این که قطعنامه مورد نظر سانتریستها، آرای بالائی بدست آورد، اما به تصویب نرسید. سرانجام آنچه که به تصویب رسید قطعنامه جناح چپ بود. در بخشی از این قطعنامه گفته شده بود:

"کنگره تلاشی ریویزیونیستها را که میکوشند مشی آزموده و پیروزمند ما را که بر مبارزه طبقاتی مبتنی است، تغییر دهند و در مقابل مساله کسب قدرت سیاسی از طریق حملات پی در پی به بورژوازی، سازش و تسلیم طلبی را قرار میدهند، قاطعانه محکوم میکند

نتیجه عملی این تاکتیکهای ریویزیونیستی، تبدیل حزب انقلابی یعنی حزبی که برای دیگرگونی سریع جامعه بورژوازی به سوسیالیستی مبارزه میکند، به حزب اصلاحات در چارچوب نظم موجود است. کنگره برخلاف جریان ریویزیونیست براین اعتقاد میباشد که تضاد طبقاتی نه تنها تخفیف نمی یابد بلکه بالعکس پیوسته تشید میشود. از اینرو اعلام میدارد:

\_۱\_ حزب، هر گونه مستولیتی را تحت شرایط اقتصادی و سیاسی مبتنی تولید سرمایه داری رد میکند و از هیچ اقدامی که در جهت حفظ طبقه حاکم باشد پشتیبانی نمی کند."

قطعنامه سپس خاطر نشان میسازد که احزاب سوسیالیست باید به قاطعانه ترین شکل ممکن، از منافع طبقه کارگر در مبارزه علیه تمام اشکال ستم و استثمار، میلیتاریسم و استعمارگری، دفاع کنند. با تصویب این قطعنامه، مواضع قطعنامه سانتریستی کنگره پاریس در مقابل مساله شرکت سوسیالیستها در کابینه های بورژوازی رد شد. جناح چپ، در کنگره آمستردام در مقابل پدیده تراستها نیز موضعی رادیکال اتخاذ نمود و به ایهام و سردرگمی که کنگره پاریس در این زمینه پدید آورده بود پایان بخشدید.

کنگره پاریس علی رغم این که در ارزیابی از شکل گیری تراستها، براین نکته تاکید داشته که تراستهای استثمار طبقه کارگر را تشید کرده اند، معهداً تراست را تبدیل سرمایه داری به تولید عمومی معرفی میکرد و این ابهام را پدیدمی آورد که گویا با انتقال تراست به دولت، در تولید سرمایه داری و فعالیت اجتماعی، دیگرگونی هایی صورت خواهد گرفت. کنگره آمستردام طی قطعنامه ای مبارزه علیه انحصارات را با مبارزه پرولتاریا برای کسب

گستردگی را سازمان داد. لینین بیوژه در چه باید کردمفصل ایده های اکونومیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و ماهیت بورژواشی این گرایش را نشان داد. او اثبات نمود که "طبقه کارگر با قولی خود منحصر امیتواند آگاهی تردیونیونیستی حاصل نماید." (۴۷) بارزترین دلیل صحت نظرات لینین نیز در این مورد تجزیه جنبش کارگری بریتانیا بود که جنبش خودبخودی آن هیچگاه از محدوده آگاهی تردیونیونیستی فراتر نرفت. لینین این ایده انگلس را به تفصیل مورد بررسی قرار داد که "سوسیالیسم ازان موقعی که به علم تبدیل شده است، ایجاب میکند که با آن به صورت علم برخورد کنند. یعنی آن را موردمطالعه قراردهند. این خودآگاهی را که بدینظریق کسب شده به طورروزافزونی در حال ضیا و روشنی است، باید در بین توده های کارگر با جدیتی هر چه تمامتر اشاعه داد و سازمان حزب و سازمان اتحادیه ها را هر چه بیشتر فشرده و محکم ساخت" (۴۸) لینین در این اثر خود نشان داد که "هرگونه سر فرود آوردن در برابر جنبش خودبخودی کارگری و هر گونه کوچ کردن نقش عنصر آگاه یعنی نقش سوسیال دمکراسی معنایش تقویت ایدئولوژی بورژواشی در کارگران است." (۴۹)

اکونومیستها بالکارابین حقیقت که سوسیالیسم علم است و علم را باید فراگرفت، و آگاهی سوسیالیستی را باید زیرین به دونون جنبش کارگری برد و نیز انتشار این حقیقت که مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی در سه وجه اقتصادی، سیاسی و تئوریک است، عملاً میکوشیدن طبقه کارگر را در اسارت ایدئولوژیک بورژوازی نگهداشتند. مبارزه ایدئولوژیک جناح سوسیال دمکراسی انتقامی بود، رهبری لینین به انفراد شکست کامل اکونومیسم انجامید. اعتقدایات سیاسی کارگران قبل از انقلاب و گرایش روزافزون کارگران پیش رو به ایده های لینین، بیانگر محرکی کیفای نوین در رشد آگاهی و رزمندگی پرولتاریایی بود. لینین در جریان مبارزه علیه اکونومیسم، ایده های کاملاً نوینی برای ایجاد یک حزب حقیقتاً انتقامی و پیشانگ پرولتاری مطرح نمود. این حزب میباشد که کاملاً مقایز از احزاب سوسیال \_ دمکرات اروپائی باشد. یعنی حزبی منسجم و منضبط که پیشروتیرین کارگران را در صفوی خود مشکل ساخته باشد و بتواند پرولتاریا را در انقلاب برای بزرگ کشیدن نظام سرمایه داری رهبری کند. در کنگره دوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که در ۱۹۰۲ تشکیل گردید و اکثریت آن را جناح انتقامی حزب تشکیل میداد، روشن شد که جناحی از درون خود سوسیال دمکراتها مایل نیستند از برخی سنتهای منفی انترنسیونال دوم دست بردارند و با ایده های لینین در مورد حزب به مخالفت برخاستند. این اختلاف، به هنگام بحث بر سر اساسنامه حزب و ماده مربوط به عضویت خود را نشان داد. جناح انقلابی حزب به رهبری لینین، تنها پذیرش برنامه و مساعدت مالی را برای عضویت در حزب کافی نمی دانست بلکه براین نکته تاکید داشت که هر عضو باید در یکی از سازمانهای حزبی فعالیت کند. جناح اپورتونیست موسوم به منشیوک از همان مواضع احزاب سوسیال دمکرات سلط در انترنسیونال دوم دفاع میکردند که فعالیت در یکی از سازمانهای حزبی را لازم نمی دانستند. این جناح در واقع از یک حزب بی در و پیکر و اعصابی غیر فعال دفاع میکرد. پس از کنگره و موضع گیری در قبال دیگر مسائل جنبش کارگری، نشان داده شد که اختلاف بر سر مساله عضویت، یک اختلاف جزئی و کم اهمیت نیست بلکه اختلافی جدی است که از دو نگرش متفاوت ناشی میگردد. اختلافات هنگامی به شکلی جدی تر خود را بروز دادند که با نزدیک شدن انقلاب، مساله نقش طبقه کارگر در انقلاب مطرح گردید. در حالیکه جناح منشیوک، همان درک کهنه و قدیمی را از انقلاب بورژوا \_ دمکراتیک اراده میداد و براین اعتقاد بود که باید زمام امور را به دست بورژوازی لیبرال سپرده، جناح بشیوکی، از ایده رهبری طبقه کارگردرانقلاب بورژوا \_ دمکراتیک و اتحاد کارگران و دهقانان برای سرنگونی تزاریسم و پیروزی انقلاب دفاع میکرد. در حالی که جناح منشیوک با همان درک کهنه سوسیال دمکراسی، دره ژرفی میان انقلاب بورژوا \_ دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی میدید، جناح بشیوکی، چنین دره ژرفی میان این دو انقلاب نمی دید، بلکه از انتقال هر چه سریعتر به انقلاب سوسیالیستی دفاع میکرد. بشیوکها همچنین با تاکید بر اعتضای عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، از تاکتیکهای انقلابی پرولتاری برای سرنگونی تزاریسم دفاع نمودند. این ایده ها که مورد حمایت پیشرو ترین بخش کارگران روسیه بودند، تاثیرات ژرفی بر جنبش کارگری بر جای نهادند. انقلاب ۱۹۰۵ و نقشی که پرولتاریایی روسیه در برپائی و رهبری آن ایفا نمود، تاییدی بود بر صحت نظرات و مواضع جناح انقلابی حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه به رهبری لینین.

### (ادامه دارد)

#### منابع :

- ۴۶\_ جنبش بین المللی طبقه کارگر \_ جلد دوم
- ۴۵\_ جنبش بین المللی طبقه کارگر \_ ایده های بورژواشی
- ۴۷\_ چه باید کرد؟ لینین
- ۴۸\_ جنگ دهقانی در آلمان \_ فریدریش انگلس

تضاد بقایای مناسبات ماقبل سرمایه داری با مناسبات سرمایه داری ناشی میشود. مبارزه عمومی مردم علیه استبداد تزاری و برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی و مبارزه دهقانان علیه بقایای مناسبات فئووالی برخاسته از این تضاد بود. نتیجاً، روسیه تزاری که به کافون این همه تضاد تبدیل شده و لاجرم ضعیف ترین و آسیب پذیر ترین حلقه در زنجیره سیستم امپریالیستی محاسب میشود، به کشوری آماده برای انقلاب تبدیل گردید. علیرغم اینکه انقلاب، به علت بر جای ماندن بسیاری از بقایای مناسبات ماقبل سرمایه داری در روسیه، به ناگزیر در وهله نخست یک انقلاب بورژوا \_ دمکراتیک بود، معهذا نیروی رهبری کننده این انقلاب نه بورژوازی بلکه طبقه کارگر بود. بورژوازی روسیه که دیگر در عصر امپریالیسم نتش و رسالتی برای انجام تحولات به شیوه ای رادیکال و انقلابی نداشت، از جنبش توده ای که علیه تزاریسم و برای برانداختن موانع تکامل جامعه شکل گرفته بود، به شدت در هراس بود. بورژوازی لیبرال از انقلاب وحشت داشت. لذا طبقه کارگر که در اساس علیه نظام سرمایه داری و برای حصول به سوسیالیسم مبارزه میکرد، لاجرم می باشیست رهبری جنبش عمومی را نیز بست بگیرد و انقلاب بورژوا \_ دمکراتیک را به پیروزی برساند. پرولتاریای روسیه در عمل و در جریان مبارزات پیگیر خود از نخستین سالهای قرن بیستم نشان داد که یکانه طبقه انقلابی است که میتواند رهبری مبارزه را بست بگیرد و انقلاب را به پیروزی برساند.

### نقش سوسیال دمکراسی روسیه در جنبش کارگری

سوسیال \_ دمکراتهای روس، از همان آغاز که بصورت محافل و گروههای کوچک شکل گرفتند، نقش مهم و برجسته ای در زمینه تشکل و آگاهی طبقه کارگر ایفا نمودند. در پرتو تلاش مارکسیستهای روسیه بود که در واخر قرن نوزده یکشته محافل کارگری در مهمترین مراکز صنعتی و کارگری روسیه پدید آمد و بسرعت یک قشر فوق العاده آگاه و رزمnde از کارگران پیشرو شکل گرفت که هدایت و رهبری عملی مبارزات کارگری را برعهده گرفتند. این بخش پیشرو کارگری نه تنها در کوران مبارزه عملی پرولتاریا در عرصه اقتصادی و سیاسی بلکه در بطن حادترین و گستردگی ترین مبارزه ایدئولوژیک، رشد کرد و پرورش یافت. مارکسیستهای روسیه برای اینکه بتوانند به وظائف طبقه کارگر جامد عمل پوشند، از همان آغاز می باشیست یک مبارزه ایدئولوژیک همه جانبی را علیه گرایشات مختلف سوسیالیسم خلقی که در جنبش ریشه دوانده بود، سازمان دهدند. در این مبارزه که چندین سال به طول انجامید تئوریسین های بر جسته جنبش سوسیال دمکراسی روسیه توансنت سوسیالیسم خلقی در قبال طبقه کارگر جامد عمل پوشند، کارگران به سوسیالیسم علمی گرایش پیدا کردند.

گسترش محافل کارگری مارکسیست و تشکیل حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در ۱۸۹۸، حاکی از گرایش گستردگی کارگران به سوسیالیسم علمی و انفراد قطعی سوسیالیسم خلقی خرد بورژوازی بود. حزب طبقه کارگر روسیه برای پیشبرد یک مبارزه موثرتر، همه جانبی تر و سازمان یافته پرولتاریایی روسیه با تلاش سوسیال دمکراتها تشکیل گردید، معهذا این حزب هنوز فاقد یک برنامه مشخص و منسجم، تاکتیکهای پرولتاری پرداخت شده و تشکیلاتی مستحکم بود. این کبودهای میباشیست در جنبش ریشه دوانده بود، سازمان دهدند. اما بلافاصله پس از اتمام کنگره موسس حزب، رهبران حزب دستگیر و گروه کثیری از سوسیال دمکراتها روانه زندان و تعیید شدند. حزب زیر ضربات پلیس عمل از هم پاشید. در حالیکه بر جسته تئوریسین های در جنبش ریشه دوانده بودند، گرایشی انحرافی در جنبش شکل گرفت که حامیان آن می کوشیدند با اشاعه ایده های اپورتونیستی و بورژوازی، بیارزه همچنین با کارگر را به دایره مناسبات موجود محدود کنند. این جریان که در جنبش روسیه به اکونومیست مشهور گردید، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی مارکس را از بنیاد مورد تحریف قرار میداد، بعدها عینی و اقتصادی نقش عامل ذهنی را هیچ میدانست. این مطلق کردن نقش عامل عینی و نادیده گرفتن نقش عامل ذهنی و رابطه مقابله این دو، در برخورد به جنبش کارگری، بشکل مطلق کردن نقش جنبش خودانگیخته خود را نشان میداد. لذا اکونومیستها به تقییس جنبش خودبخودی کارگری می پرداختند، دنباله روی از جنبش خودبخودی را تبلیغ میکردند و عملی مبارزه سیاسی پیشرو تئوری را تحقیر می نمودند. برای آنها آنچه که حائز اهمیت بود، جنبش خودبخودی و مبارزه اقتصادی بود. مغرب بودن ایده های اکونومیستها بویژه آنچهای خودرا نشان میداد که ضرورت اشاعه سوسیالیسم در میان کارگران یعنی بردن اگاهی به درون کارگران از بیرون جنبش را انکارمی نمودند و این می کردند که طبقه کارگر خودبخود بیهوده میگردید و عملی مبارزه سیاسی پیشرو تئوری را تحقیر می نمودند. برای ریشه ای اکونومیستها از درون کارگران روسیه، برای ریشه کن کردن ایده های بورژوازی مبارزه طبقایی پرولتاریا را در تمام وجوده آن رهبری کند، مبارزه ایدئولوژیک

## خبری از ایران

ظرفیت استغفال ۶۰ نفر را داشت اما فقط ۳۰ نفر در آن مشغول بکار بودند که اخیراً بعلت توقف تولید، همین ۳۰ کارگر هماز کار بیکار شده‌اند. بنابراین مسئول یکی از کارخانه‌های تولیدی این منطقه قرار نگیرد و از آنها حمایت نشود، بزودی تمامی کارخانه‌های بسته بینی خشکبار و دیگر تولیدات منطقه تعطیل خواهد شد و این موضوع، بیکاری هزار کارگر این کارخانه‌ها را در پی خواهد داشت.

### اخراج ۵۰ نفر از کارکنان شرکت آب

۵۰ نفر از کارکنان شرکت آب و فاضلاب اهواز با یک نامه از طرف مسئولین، کارخود را از دست دادند. مسئولین شرکت درنامه خود خطاب بهاین عده که در زمرة با سابقه ترین کارکنان این شرکت هستند، قید کردند که آنها از کار "منفک شده" و در اختیار امور اداری گذاشتند شده‌اند تا به کارآنها خاتمه داده شود. لازم به ذکر است که این افراد هیچ‌کس نه شرایط باز نشستگی را رخراز کرده‌ونه چنین درخواستی داشته‌اند. بهر حال این موضوع اعتراض و نارضایتی کارکنان یاد شده را در پی داشت و آنها در یاد داشتی اعتراضی که در مطبوعات رسمی انعکاس یافته خواستار رسیدگی به این مسئله شده‌اند.

### از هر ۶۲ بیکار، یک نفر کار پیدا کرده است.

کار و کارگر نوشت که طبق آمار رسمی در سال ۷۵ میزان بیکاری در آذربایجان غربی، ۶۶ هزار نفر بوده است که در حال حاضر طبق آمار اداره کل کار و امور اجتماعی این استان، ۱۰۲ هزار و ۶۴۹ نفر در واحدهای استغلال این اداره برای کاریابی ثبت نام کرده‌ونه کارت بیکاری دریافت کرده‌اند که ۲۵ درصد بیکاران را افراد تحصیل کرده تشکیل میدهند. همین‌معنی قید کرد که سال ۷۱ تا خرداد ۷۷ (یعنی در ظرف متاوازاع سال) از مجموع جویندگان کار این استان تنها یک هزار و ۶۲۹ نفر به کار گماشته شده‌اند. مسئول استغلال اداره کل کار این استان می‌گوید ارقام نشان میدهد که تا کنون از هر ۶۲ نفر جویای کار، تنها یک نفر از این طریق کار پیدا کرده‌اند. گفتنی است که طبق اظهارات مدیر کل کار آذربایجان غربی، سالانه ۸ هزار نفر بر متقاضیان کار در این استان افزوده می‌شود.

### مرک سه کارگر

بر اثر بروز حادثه دریکی از واحدهای مجتمع پتروشیمی رانی، یکی دیگر از کارگران این واحد، جان خود را از دست داد. از تعداد دقیق کارگران مخصوص اطلاعی در دست نیست. همچنین دو کارگر دیگر در مجتمع های پتروشیمی منطقه ماهشهر که بین آنها بر اثر ریختن اسید از مخزن، دچار سوختگی شدید شده بود جان خود را از دست دادند. این چندمین بار است که بعلت عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی اینمی محیط کار

خود از مسئولین دولتی استان گیلان خواستند که به مطالبات آنها رسیدگی شود و مدیران شرکت را وارداند، حقوق و مزایای معوقه آنها پردازند. این شرکت که عهده دار بهره برداری از جنگل‌های گیلان است، چند ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. صاحبان این شرکت که تا کنون میلیاردها تومنان از حاصل دسترنج کارگران به جیب زده‌اند، ادعای میکنند که توائی این پرداخت دستمزد کارگران را ندارند. آنها میگویند تولیدات این کارخانه فروش نرفته است، لذا نمی‌توانند دستمزد کارگران را پردازند. کارگران ادعاهایی سرمایه داران را ردیمی کنند و خواهان پرداخت هرچه فوری تر حقوق و مزایای خود هستند.

\* همچنین بیش از چهار ماه است که حقوق کارگران خدماتی "بیمارستان شهیدرجائی" گچساران پرداخت نشده است. این موضوع که مشکلات معیشتی فراوانی را نیز برای ۴۶ کارگر این بیمارستان بوجود آورده، اعتراض آنها برانگیخته و کارگران حقوق خویش را طلب میکنند. یکی از مسئولین مربوطه با ذکر اینکه اخیراً اعتباری در اختیار بیمارستان قرار گرفته است، و عده داد که بزودی حقوق معوقه کارگران پرداخت شود.

### اعتراض مجدد کارگران صنایع چوب

کارگران شرکت صنایع چوب ایران در ادامه اعتراضات خود نسبت به تأخیر و بدهی تبعیق اتفاق دادند. حقوق ۵ ماهه فروشگاه این شرکت تجمع کرده و خواستار دریافت حقوق های خود شدند. مسئولین شرکت مربوطه به بهانه اینکه سهامداران اصلی شرکت که مالک ۵۷٪ در صد سهامداران است از ایران خارج شده و به آمریکا فرداست از پرداخت دستمزدهای معوقه سرباز میزند. بانک ملی و بانک مسکن که مالک بقیه سهام این شرکت‌اند نیز حاضر شدند که حقوقهای معوقه کارگران را پردازند و برغم توقف اشغال با اداره کار مبنی بر اداره شرکت زیر نظر یک مدیر دولتی و عده پرداخت حقوق های معوقه، هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه انجام نداده‌اند. آخرین اطلاعات رسیده حاکمی از آن است که صاحبان و سهامداران شرکت توافق کرده اند تا از طریق فروش دستگاهها، لوازم و تمام قطعات و مواد اولیه شرکت، کارگران را باز خرید کنند.

### تعطیل کارخانه و اخراج کارگران

در پی بحران مالی شدت یابنده رکود اقتصادی حاکم بر بخش‌های تولیدی، تعدادی از کارخانه‌های تولیدی و بسته بینی خشکبار شهرستان بناب نیز بحال تعطیل درآمده و کارگران آن اخراج شده‌اند. از آن جمله است کارخانه خشکبار آل طه که ظرفیت اسمی آن ۳۰ هزار تن در سال است ولی در طول یک سال و نیم اخیر تنها ۲۰۰ تن تولید داشته است. این کارخانه برغم اینکه

### تجمع اعتراضی کارگران چیت سازی

کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، در طول شش ماهه اخیر، بارها با تجمع اعتراضی و یاسایران‌شکال مبارزاتی داشتند که اینها به اینجا نرسیدگی به مطالبات خود از جمله پرداخت حقوق های عقب‌افتاده خود شده‌اند. خبری که اخیراً در روزنامه رسالت (۵ شهریور) انتشار یافته است، حاکمی از آن است که برغم این اعتراضات و برغم وعده هایی که به کارگران داده شده‌اند، ۱۸۰۰ کارگر چیت سازی مدت ۷ ماه است که حقوق ماهانه خویش را دریافت نکرده‌اند. همچنین خبر حاکمی از آن است که کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، همه روزه با برپایی اجتماعات اعتراض آمیز در برابر منزل‌امام جمعه و فناوریه این شهر و با درست گرفتن قبوص آب و برق و گاز و غیره، خواهان دریافت حقوق به تعویق افتاده خود می‌شوند.

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پوست و چرم خراسان

چندین ماه است که اوضاع کارخانه پوست و چرم خراسان مانند سیاری از واحدهای تولیدی دیگر ناسامان است. کارگران این کارخانه مدت‌هاست که با مشکلات متعددی از قبیل سرگردانی، عدم دریافت بموقع دستمزد و بیکاری دست به گریبان بوده و بویژه از تاجیه حفظ اشتغال خویش هیچ‌گونه تضمین و یا احساس امنیتی نداشته‌اند. مسئولین اصلی شرکت از اوائل سال ۷۷ حتی حاضر نشده‌اند برای شنیدن حرفهای کارگران و حل مشکلات مربوطه، در شرکت حضور یابند. هر چند کارگران به اقدامات مختلفی دست‌زنده و منجمله مکاتبات زیادی برای رسیدگی به مشکلات خویش انجام دادند، اما کسی به حرف آنها گوش نداد و مشکلات آنها نه تنها بر طرف نشد، بلکه روز بروز بیشتر شده است. کارگران این کارخانه که از فوردهای ماه حقوق خویش را دریافت نکرده بودند در تاریخ ۷/۵/۵ در محل بانک صنعت و معدن، دست به یک تجمع اعتراضی زده و توансند یک‌ماه حقوق عقب افتاده خود را بگیرند. همان روز مسئولین مربوطه در توافق نامه‌ای تعهد کردند که تا پایان مرداد ماه، حقوق ۴ ماه دیگر عقب افتاده کارگران را پردازند. معهدها بانک صنعت و معدن نه تنها به این توافق عمل نکرد، بلکه صاحبان کارخانه، شرکت مربوطه را منحل اعلام کرده و قصد داشتند کارگرانی را که هریک ۲۰ سال سابقه کار دارند، باز از هرسال ۴۵ روز بابت سنتوات خدمتی، باز خرید کنند. اما کارگران که نسبت به این تصمیم اعتراض دارند و نمی‌خواهند کار خویش را از دست بدene، مجدداً در تاریخ ۷/۶/۷ در محل بانک صنعت و معدن تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات مربوطه شدند.

### اعتراض دو هزار کارگر شفارود

دو هزار تن از کارکنان شرکت جنگل شفا رود، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتراض زدند. کارگران در جریان این حرکت اعتراضی

# زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

## کمک های مالی رسیده

### بلژیک

بدون کد ۳۰۰ فرانک

### فرانسه

زنده باد شوراهای ۱۱۷ فرانک

ف - س - ۲۰۰ فرانک

کمک مالی به کا ۳۰ فرانک

### کانادا

تورنتو ۳۰ دلار کانادا

تورنتو ۲۵ دلار کانادا

ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا

### سوئد

اپسلا ۱۰۰ کرون سوئد

### انگلستان

پادوا ۲۰۰ دلار آمریکا

با کمکهای مالی خود

سازمان فدائیان (اقلیت)

را یاری رسانید.

سرکوب علیه کارگران و زحمتکشان است.

### استقراض از بانک و رشد تورم

سازمان برنامه بودجه در نظر دارد بعذار تصویب طرحی در هیئت دولت، آن را به مجلس ارائه دهد تا کسری بودجه دولت را تأمین کند. بدنبال کسری فاحش بودجه و عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده، دولت برآن است تاعلاوه بر صرفه جویی، پیش فروش نفت و حج، فروش معافیت سربازی، با استقراض از بانک مرکزی کسری بودجه خود را تأمین کند. عملی شدن این تصمیم بمعنای افزایش حجم نقدینگی، کاهش ارزش پول و افزایش دشدن حداقل یک تورم ۱۰ درصدی برخی تورم موجود است که معنای فمه آینها، کاهش سطح معیشت کارگران و سایر اقشار زحمتکش و محروم دوش آنهاست.

### سرمایه گذاری های خارجی

برپاییه گزارش اداره کل آمار و اطلاعات وزارت صنایع، از سال ۷۲ که پذیرش سرمایه گذاری خارجی در ایران بطور جدی شروع شده، تا کنون تعداد ۵۲۰ طرح صنعتی "جمعه" به میزان ۴۴۸ میلیون دلار مشارکت خارجی به تصویب هیئت دولت رسیده و به مرحله اجرا درآمده و یا در مراحل مختلف اجرائی است. هیئت دولت هم چنین در سه ماهه اول سال جاری با مشارکت سرمایه گذاری خارجی در ایران طرح صنعتی جدید به ارزش "جمعه" ۶۸ میلیارد و ۸۹۵ میلیون دلار در ایران موافق شده است. در جدول زیر، مشخصات این طرح ها و میزان سرمایه گذاری های خارجی آورده شده است.

در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، حادثی در حین کاراتفاق می افتد که منجر به مرگ و یا مجروح شدن کارگران میشود.

\* بنا به گزارش روزنامه رسالت به نقل از روابط عمومی ثبت احوال کشور، در سه ماهه اول سال جاری ۷۸۴۲۸ نفر فوت کرده اند که از این تعداد ۹۶۲۹ تن در اثر سوانح، مسمومیت و خود کشی، ۱۵۵۹ نفر در اثر بیماری اعصاب و ۴۸۰ نفر بخارتر ابتلا به بیماری های روحی و دماغی فوت کرده اند.

### دستگاه قضائی و تبرئه سرکوبگرها ماموران شهرداری

در پی جنبش اعتراضی توده های زحمتکش پل ساوه که چند ماه پیش در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه ماموران سد معتبر شهرداری و قتل جوان ۱۶ ساله بالا فروش صورت گرفت، رژیم جمهوری اسلامی به مردم منطقه وعده داد که مسببین این رویداد را مجازات خواهد کرد. دستگاه سرکوب قضائی حکومت اسلامی روز پنجم شنبه ۲۵ شهریور با تشکیل یکدادگاه، عوامل سرکوبگر دولت را که مسبب قتل این جوان باقلا فروش بودند تبرئه نموده اندعا کرد که آنها به وظیفه قانونی خود عمل کرده اند. اما جوان ۲۰ ساله راننده وانت را که کارگر است، به اتهام قتل غیر عمد به "یکسال حبس و پرداخت دیه کامل مرد مسلمان و پرداخت یک سوم دیه کامل بلاحظ وقوع حادثه در ماه حرام محکوم شد". و بدین طریق یک بار دیگر به مردم زحمتکش نشان داد که دستگاه قضائی حکومت جز لاینک دستگاه

ردیف	نام طرح	تابعیت شرکت خارجی	نام شرکت داخلی	درصد مشارکت ارزش مشارکت	
۱	الیاف آکریلیک	ایرلند جنوبی	فرش البرز	۴۹	۶۰۰۰
۲	آبگرمکن دیواری	فرانسه	پلاز	۵۰	۱۵۰۰
۳	پایدارکننده پی وی سی	آلمان	همیار	۴۰	۸۳۴
۴	ماشین آلات صنایع لاستیک	آلمان	تایر ماشین	۴۰	۴۱۸
۵	شیر آلات صنعتی	آلمان	آذرآب	۲۲	۴۱۸۳
۶	شیرهای توبی	آلمان	تجهیزات نفت	۴۹	۱۹۶۰

جمع مشارکت خارجی ۶۸۸۹۵۰۰

زنده باد سوسیالیسم

**معلمان ، تجربه شکل گیری و از هم پاشی یک تشکل صنفی**

نمایندگی از سوی دبیران منطقه یک با تشکیل خانه معلم که بدون حضور نمایندگان واقعی معلمان و با دستور تشکیل شود مخالف هستم." وی ضمن اعتراض به اینکار این "خانه" را "حاضرور ۸ نفر تشکیل شده که نیمی از آنها کارمندان اداری و نیم دیگر معلمانی بوده اند که با دشواریهای حرفة معلمی چندان آشنائی نداشته اند" می گوید "هیئت موسس خانه معلم را افرادی تشکیل می دهد که فقط کار مدیریتی کرده و تا به حال گچ است نیگ فته اند."

این نقل قول ها حاکی از آن است که معلمان در کلیت خودلزوم قسمیت از سوی گروه کوچکی از مسئولین و افراد گزین شده از جانب مقامات دولتی را نمی پذیرند و هدف اینها که همانا تبدیل تشکل صنفی معلمان به بجزاری برای استفاده های سیاسی و اداری و تبلیغاتی باشد بخوبی دریافتند و نمیخواهند زیربار آن بروند. معلمان زحمتکش که در شماراقش اگاه جامعه محسوب میشوند، یقینا از این تجربه آنهم در بحبوحه تبلیغات "جامعه مدنی" خاتمی و دولتش، بخوبی آموخته اند که دولت جمهوری اسلامی، نه در فکر منافع مادی و معنوی معلمان و نه خوستار اتحاد و همیستگی آنها! که در پی رسیدن به اهداف سیاسی و تبلیغاتی خویش است. دولت اسلامی از "کفتگو و مفاهeme" در باره مسائل و مشکلات معلمان، مداخله خویش را تعقیب میکند و فقط این را می فهمد که از بالای سر معلمان و بجای آنها تصمیم گیرد. نایاب در این موارد دچار توهمند گردید. آنان اگر از تشکل صنفی معلمان سخن میگویند، دنبال آنند تا برای وزارت آموزش و پرورش خویش "بازنوئی" بتراشند! تشکل صنفی مورد نظر آنها، تشکلی است که خودشان درست کرده باشند، تشکلی است که توده معلمان در آن نقشی نداشته باشند، تشکلی است که در آن رابطه رئیس و مرؤوسی برقرار باشد، تشکلی است که بحر، اوامر روسا و وزرا باشد.

واقعیت آن است که حکومت اسلامی اساساً مخالف تشکیل احزاب و تشکلهای مستقل توده‌ای اعم از کارگری یا تشکل های متعلق به سایر زحمتکشان است. رژیم ولایت فقیه ظرفیت پذیرش چنین احزاب و تشکل هائی را ندارد و آنکه این تشکل، یک تشکل صنفی مستقل معلمان باشد. حنای شعارهای خاتمی و "جامعه مدنی" اسلامیزه شدهایشان در زیرچترولایت فقیه هم که بدیگر رنگی ندارد. بنابراین، این نکته روشن است که هر گونه بپرورد جدی و اساسی در وضعیت اقتصادی و سیاسی و تحقق کامل مطالبات زحمتکشان ایران، از جمله معلمان زحمتکش، در گرو براندازی حکومت اسلامی است. با این همه مدامی که جمهوری اسلامی سرنگون نشده است، راه عقب‌راندن آن و راه رسیدن به خواست ها و مطالبات معلمین، نه امید بستن به تشکلهای ساخته‌و پرداخته دولتی، کاتاحداو همبستگی خود معلمان زحمتکش و ایجاد تشکل مستقل و سراسری است. از این راه است که می‌توان و باید اعتراض مشکل را ایازمان داد.

۱- نقل قول های این مقاله از همشهری ۲۰ و ۱۹  
مرداد توس ۱۳ مرداد و ۱۰ شهریور ۷۷ میباشد.

در تصمیم کیری های نظام آموزش و پرورش "تاكید شده بود، شکل گیری این کانون قطعیت می یابد. اگر چه در جریان شکل گیری این کانون و جلسات بعدی آن، براستقلال کانون تاکید شده بود و گفته مشتمد که هیچ کس نباید بجا معلم حرف بزندو تصمیم بگیرد، بویژه عمالین اصلی کانون ضمن تاکید تو لاش برای مشارکت عاملین در سطح و سیسترواز طریق ایجاد تشکل مستقل سراسری تاکیدات ویژه ای داشتند و در جلسات کانون در تعریف "کانون معلمان تهران" تصریح می کردند که "تشکل صنفی معلمان باید به وسیله خود عاملان ایجاد شود و برآمده از خواست های مشترک عاملان باشد"، "بایستی غیر دولتی و مستقل باشدو عاملان باشد" رهبریت معلمی آن حفظ شود" و تاکیدات بیگری از این نتیجه نبیل، اما مدت زیادی از تشکیل کانون نمی گذرد که مسئولین اداری و دولتی که ظاهرا برای تشکیل این کانون صنفی چراغ سبز نشان داده و عده های نیز به معلمان داده بودند خلاصه نیات خود را از برپائی یک تشکل دولتی نماینده این کانون مطرح کرده و چند نفر "رئیس و نماینده" این کانون تقدیر کردند، خود را بعنوان "بعنوان هیئت موسس از میان کارکنان اداری که حتی یکباره در جلسات کانون شرکت نکرده بودند" معرفی میکنند. این اقدام که با نیات عمالین اولیه و یا به کذاران کانون آشکارا منافقات داشت، اعتراض عده زیادی از عاملین را برانگیخته و بدرویگردانی گروهی از معلمان که در شکل گیری اولیه کانون اداری که می انجامد و بقول یکی از معلمان سرانجام کار به جایی کشید که "تشکل از شکل اولیه خود خارج شد و به شکل یک سازمان تقریباً دولتی در آمد". بدنبال این قضیه است که فعالیت کانون نیز "عمل موقوف میشود و در عرض مسئولین اداری فوراً جلسه ای در تعطیلات تابستان (۱۱ مرداد) برگزار میکنند. در عالمان و نمایندگان مناطق استان تهران که از محل برگزاری جلسه اطلاع یافته بودند، تشکل جدیدی را با عنوان "خانه معلمان ایران" که تمام او ایسته به دولت بود، رسم های مدنی می کند. یکی از دست اندکاران "خانه معلمان ایران" در تعریف از این تشکل میگوید "خانه معلمان ایران به عنوان یک نهاد مدنی بازوی وزارت آموزش و پرورش محسوب میشود". هم او که از حضور مسئولین اداری آموزش و پرورش در شکل صنفی معلمان دفاع و از "حسن نظر" مسئولین سبب یادگارانه تنشکل معلمان تعریف میگرد، در توجه حضور غیر عاملین و مسئولین اداری و دولتی در این تشکل چنین استدلال میگرد که حتی وزیر هم معلم به شمار میرود چرا که حکم معلمی دارد! بهررو گرچه برای این تنشکل اخیر هم هنوز مجوزی برای فعالیت صادر نشده است، اما موضوع مداخله مسئولین دولتی و اداری و تلاش آنها از بالا و بمنظور پیشبرد نیات دولت، واکنش منفی و اعتراضی بسیاری از عمالان را برانگیخت. این واکنش های اعتراضی از جمله دریابانات یکی از عاملین که ازرویدش به جلسه جلوگیری شده بود، بخوبی انعکاس یافته است. وی در ارباطه با علت جلوگیری از ورود خود به جلسه میگوید "گویا علت این چن جلو گیری آن بود که من در جلسات پیشین مواضع خود را اعلام کردم و گفتم که من به

بی تردید معلمان در زمرة محروم ترین و وزحم‌کش‌ترین افشار حقوق بگیر جامعه اند که در سایه سیاستهای حکومت اسلامی و تضییقاتی کاین رژیم در حق آنان اعمال نموده‌است، روز بروز با دشواریهای سیاسی و اقتصادی بیشتری رو به رو شده اند. سوابی اعمال فشارهای هر روزه و مداوم سیاسی، بحران مزمن اقتصادی، افزایش سرسام آور قیمت‌ها و تورم افسار گشیخته، فشارهای اقتصادی و معیشتی عدیده‌ای را بویژه در سالهای اخیر براین قشر زحم‌کش تحمیل نموده‌اند. روز آنان را فقیرتر ساخته است. در برابر هزینه‌های روز افزون زندگی، حقوق های دریافتی بخش اعظم معلمان انقدر ناچیز است که سالهای است آنها را برای گذران زندگی به جستجوی کار و مأمور و ادار ساخته است. اضافه کاری، تدریس خصوصی و بویژه مسافر کشی، از معمول ترین کارهایی است که معلمین با درآمد حاصله‌از این طریق، میتوانند بخشی از هزینه‌های زندگی خود و اعضاء خانواده شان را تأمین و چرخ آن را بگردانند.

پدیده است که معلمان نسبت به این شرایط و فشارهای طاقت فرسام عرض باشند و معرض هم هستند. معهداً بخوبی آگاهند که تک توکو بطور انفرادی نمیتوانند در برابر رژیمی که چنین زندگی پردردو رنجی را بآنانها تحمیل کرده است، بطور موثری خواست هاو مطالبات خود را پیش بکشند و نتیجه مطلوبی بگیرند. چنین است که آنان برای دست یابی به یک زندگی بهتر و برای تأمین حصارج زندگی خود و اعضا خانواده شان، دست به مبارزه زده و در صدد برباری تشکل مستقل خویش بر می آیند تا اعتراض جمعی خود را سازمان دهند و از این طریق خواستهای خویش را پیگیری نمایند. در واقع امر شرایط جامعه و فشارهای مختلف اقتصادی و سیاسی به حدی است که دفاع مشکل از خواست معلمان بنشاند. آنها قاره میگردند.

بر زمینه چنین شرایطی است که اواخر سال گذشته گروهی از معلمان در تهران به فکر ایجاد یک "تشکل صنفی مستقل و غیر فرمایشی" برمی‌آیند و در "بهمن ۷۶" (۱) با تهیه اساسنامه‌ای، پایه‌های اصلی این تشکل را پی میریزند، معهداً در تحت شرایط موجود جامعه و دعاوی تبلیغاتی پارهای از مقامات دولتی پی‌برامون ایجاد نهادها و تشکل‌های صنفی، این معلمان قبل از اعلام ایجاد تشکل خود، در نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزیر آموزش و پرورش خواستار گشایش "باب گفتگو و مفاهمه" در باره مسائل و مشکلات معلمان می‌شوند. آنها در این نامه، علاوه بر آنکه مختصرًا به اوضاع ناسامان آموزش و پرورش، افت تحصیلی و مثال آن اشاره می‌کنند، بطور مشخص از مشکلاتی که معلمان در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی با آن دست به گردیدند و از اینکه "سال به سال فقیرتر" شده‌اند و "هیچکس" بفکر آنها نبوده است نیز بیان می‌کنند. بهروز بعد از بحث و گفتگو با مسئولین دولتی است که سر انجام گروهی از معلمین تصمیم می‌گیرند تشکل صنفی خودرا با عنوان "کانون معلمان ایران" تشکیل دهند. در فروردین سال ۷۷، ۱۵۰ نفر از معلمان تهرانی با تائید اساسنامه این کانون که در بند ۴ آن از جمله بر "همبستگی بین معلمان"، "دفعاعز حقوق مادی و معنوی معلمان" و "قراهر شدن زمینه مشارکت مشکل معلمان

## اطلاعیه

## تشدید سرکوب اختناق با دست آویز جنگ

مردم مبارز ایران !

رژیم جمهوری اسلامی که با نارضایتی عمیق توده ای و بحران همه جانبی ای روپرتوست، در تلاش است تا با توسل به یک ماجراجویی نظامی که مقدمات آن را از هم اکنون با استقرار دهها هزار نیروی نظامی در مرز با افغانستان تدارک دیده است، بر بحرانهای داخلی خود سریوش بگذارد و با همین حریه، اختناق و سرکوب علیه مردم ایران را تشدید کند.

نقض دیروز خامنه ای که خواستار برین زبانها و ممنوع کردن هرگونه مخالفت و اعتراض و تعطیل برخی نشریات گردید، هدف واقعی رژیم را از اقدامات جنگ افزایانه اخیر برملا کرد. در پی این سخنرانی، دستگاه قضائی حکومت اسلامی بار دیگر برای تعطیل نشریاتی که گاه با برخی سیاستهای رژیم مخالفت میکنند، دست به کار شد و به عنوان اولین اقدام دستور تعطیل روزنامه توسع را صادر نمود. دستور توقف انتشار توسع حاکی از این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و اختناق را تشدید کرده است.

مردم مبارز ایران !

اقدامات ارتقایی اخیر جمهوری اسلامی باز هم این حقیقت را در برابر همگان قرار میدهد که با وجود رژیم جمهوری اسلامی هیچ بھبودی در اوضاع صورت نخواهد گرفت. اجازه ندهید که رژیم با برافروختن یک جنگ دیگر، فجایع جنگ هشت ساله را تکرار کند، اجازه ندهیبه بهانه جنگ، سرکوب و اختناق را تشدید کند. راه نجات، تشدید مبارزه و سرنگونی حکومت است.

سازمان فدائیان (افتیت)

۱۳۷۷/۶/۲۵

آنها به نفع توده های مردم است. آری ! بحران اقتصادی موجود را میتوان حل کرد، میتوان وضعیت مادی و معیشتی توده مردم را بهبود بخشید، اما نه از طریق سیاستهای ارتقایی و به نفع سرمایه داران بلکه از طریق سیاستی انقلابی، با ابتکار توده مردم و به نفع آنها. پیش شرط اجرای این سیاست، بdest گرفتن ابتکار عمل سیاسی از سوی کارگران و زحمتکشان و استقرار یک حکومت شورایی است.

## ورشکستگی مالی دولت و تشدید وحامت شرایط معیشتی زحمتکشان

ثابت، شاخص درآمد مزد و حقوق بگیران خانوارهای شهری به حدود ۳۷ درصد، یعنی یک سوم سال پایه، و شاخص تورم به ۲۵۹۰ تا ۲۵ برابر سال پایه رسیده است. این آمار ۲۰ زحمتکش مردم اکنون نمیتواند سطح زندگی سال پیش را داشته باشد. در نتیجه این تنزل مداوم سطح معیشت کارگران و زحمتکشان است که امروز حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. این در حالی است که تعداد قلیلی سرمایه دار و ثروتمند، طی همین سالها ثروتها افسانه ای اندوخته اند و هرسال میلیاردها توانان پول به جیب زده اند. تشدید بحران اقتصادی، اعلان ورشکستگی مالی دولت و خیم ترشدن شرایط مادی و معیشتی توده های مردم، پس از حدود ۲۰ سال که از استقرار جمهوری اسلامی در ایران میگذرد، بیانگر این واقعیت است که این رژیم قادر به حل بحران اقتصادی و بهبود شرایط مادی و معیشتی توده های مردم نیست. حتی تلاش رفسنجانی و اکنون خاتمی برای استعانت از انحصارات بین المللی برای بهبود اوضاع اقتصادی و ادامه سیاست اقتصادی رژیم شاه نیز با شکست روپرتو شده است. چرا که انحصارات امپریالیستی جهان نه در فکر بهبود اوضاع اقتصادی بلکه در پی کسب سود هر چه بیشتر مستند. لذا طی چند سال گذشته که سیاست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در ایران به اجرا گذاشته شد، نه تنها بحران اقتصادی بهبود نیافت بلکه عیقیق تر شد و از آنجایی که این سیاست میباشی با انتقال تمام بار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان آن را حل کند، وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان به نحو بی سابقه ای و خیم تر شد. از این گذشته مدل سرمایه داری رژیم شاه که اکنون رفسنجانی و خاتمی در پی احیا آن هستند، شکست خود را در مقیاس جهانی نشان داده است. کره جنوبی، مالزی، اندونزی، ترکیه و کشورهای آمریکای لاتین، امروز در چنگال و خیم ترین بحرانهای اقتصادی دست و پا میزنند. لذا رژیم جمهوری اسلامی جز وحامت بیشتر اوضاع رسالتی نداشته و ندارد. این بحران را نمیتوان به شیوه ای ارتقایی و بوروکراتیک و به نفع سرمایه داران داخلی و بین المللی حل کرد. بحران اقتصادی موجود یک راه حل انقلابی - دمکراتیک را می طلبد. نخستین گام در راه حل این بحران، سپردن ابتکار عمل به دست کارگران و زحمتکشان، برقراری کنترل کارگری در موسسات تولیدی، کنترل توده ای بر توزیع، الغای اسرار بازرگانی، ملی کردن تجارت خارجی، تنظیم امور مصرف از طریق متشکل ساختن مردم در تعاوی ها، توزیع برنامه ریزی شده کالاهای، ملی کردن تمام موسسات بزرگ و بهره برداری سازمان یافته و برنامه ریزی شده از

است. این وحامت اوضاع، اکنون با تشدید بحران اقتصادی ابعاد وسیع تری به خود گرفته است. با تعطیل تعداد زیادی از کارخانه ها، پروژه های صنعتی و عمرانی، و کاهش ظرفیت تولید در تعدادی از موسسات، صدها هزار کارگر به صفوغ ارتش میلیونی بیکاران پیوسته اند. میلیونها جوانی که به تازگی وارد بازار کار شده اما همچنان بیکارند بر طول و عرض این ارتش بزرگ بیکاران افزوده اند. کارگران شاغل با وضعیت فوق العاده اسف باری روپرتو هستند. نرخ رشد تورم که مجددا در یک سال اخیر به سرعت افزایش یافته قدرت خرید کارگران را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش داده است. علاوه براین صدها هزار کارگر با محض جدیدی روپرتو هستند. در بسیاری از موسسات، چندین ماه است که حقوق و مزایای کارگران پرداخته نشده است. پرداخت دستمزد کارگران مداوما به تعویق می افتد. اکنون دولت نیز اعلام میکند که نمیتواند حقوق ها را بپردازد. علاوه بر کارگران ، بخش وسیعی از حقوق بگیران و توده های زحمتکش نیز با وضعیت خیم معیشتی روپرتو هستند. نظر سنجی موسسه ملی پژوهش افکار عمومی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، در مورد عملکرد کابینه خاتمی نشان میدهد که اکثریت بسیار عظیمی از مردم ایران به این عملکرد معتبر هستند. ۶۰ درصد گفته اند که وی مطلقا کاری نکرده است و تنها ۱۹ درصد عملکرد وی را تایید کرده اند. هر چند که این نظر سنجی ها مخدوش است و به درستی نارضایتی و اعتراض مردم را معنکس نمی سازند، معهدا این که بر طبق همین نظرسنجی متجاوز از ۶۰ درصد مردم از اوضاع موجود ابراز نارضایتی شدید کرده اند، نشان دهنده نارضایتی وسیع مردم است. در حالی که رکود، بیکاری و سطح بسیار نازل دستمزد کارگران، وضعیت مادی و معیشتی آهارا روز به روز خیم نموده است، افزایش پی درپی نرخ تورم، شرایط زندگی مردم زحمتکش را به مرحله فاجعه باری رسانده است. مرکز آمار ایران چند روز پیش اعلام نمود که قیمت مواد غذایی و آشامیدنی در تیر ماه امسال نسبت به سال گذشته ۳۲/۶ درصد افزایش یافته است. این بدانمعنast که قدرت خرید کارگران در طول یکسال، یک سوم کاهش یافته است. بالنتیجه توده های زحمتکش فقیر تر شده اند. تداوم این وضع در ۲۰ سال گذشته، طبقه کارگر ایران را پیوسته با فقر مطلق روپرتو ساخته و هر سال شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان نسبت به سال قبل از آن بدتر شده است. وزارت بازرگانی رژیم، اخیرا اعلام کرد که وضع زندگی مزد و حقوق بگیران در مقایسه با ۲۰ سال پیش بمراتب بدتر شده و سطح معیشت آنها تنزل نموده است. وزارت بازرگانی میگوید چنانچه سال ۱۳۵۶ را سال پایه فرض کنیم، در سال ۱۳۷۵ به قیمتها

کارگران اعلام نموده اند که با تمام توان در مقابل این ترفندهای دولت سرمایه داران مقاومت خواهند نمود.

### پیروزی کارگران اعتضابی پایگاههای هوائی آمریکا در ترکیه

سرانجام پس از ۲ ماه اعتضاب بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران خدمات یکی از پایگاههای هوائی ارتش آمریکا، در جنوب ترکیه، این اعتضاب با تحقق بخشی از خواستهای کارگران پایان یافت. بر اساس توافق حاصله با کارفرماد مستمزد کارگران در مرحله افزایش خواهد یافت. در گام نخست بخشی از مستمزد ها به فوریت و بخش دیگر هر ۲ ماه یکباره متناسب با نرخ تورم افزایش خواهد یافت.

**اعتضاب کارگران مخابرات در هنگ کنگ**  
روز ۲۲ سپتامبر هزاران نفر از کارگران مخابرات هنگ کنگ دست به یک اعتضاب یکروزه‌زدن و ضمن تظاهرات، مخالفت خود را با تصمیم جدید شرکت دولتی تلفن هنگ کنگ موسوم به Hong Kong Telecom مبنی بر کاهش مستمزدها به میزان ۱۰ درصد نشان دادند. درحالیکه سود سالانه این شرکت در سال گذشته بالغ بر ۱/۱ میلیارد دلار بوده است، با اجرای این تصمیم، بیش از ۱۴ هزار نفر از کارگران کارخود را از دست خواهند داد.

### اعتراضات کارگری در آمریکای لاتین

روز ۲۴ سپتامبر بیش از ۸۰۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان بخش دولتی در کلمبیا دست به یک اعتضاب ۲ روزه‌زندن. این اعتضاب وسیع در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت این کشور در راستای حل بحران فزاینده مالی کلمبیا انجام گرفت. در این روز تسامم ادارات دولتی، بیمارستانها، مدارس و حمل و نقل شهری مسافران به کلی تعطیل شد. در همبستگی با اعتضابیون، واحدان نظامی ارتش رهایی بخش کلمبیا USO. حمایت کامل خود را از اعتضابیون اعلام نموده و اتحادیه سراسری کارگران کلمبیا اعلام داشت که در صورت عدم توقف فوری سیاستهای اقتصادی دولت، کارگران دست به یک اعتضاب نامحدود خواهند زد. هنوز اعتضاب کارگران کلمبیا پایان نگرفته بود که موج دیگری از اعتراضات کارگران علیه خصوص سازیهای چند کشور دیگر این قاره را فراگرفت. روز اول اکتبر هزاران نفر از کارگران در کشورهای اکوادور، پرو، بولیوی و کلمبیا دست به اعتضاب و برپائی تجمعات اعتراضی زندن. در کشورهای بمبی در دفتر مرکزی حزب حاکم منفجر شد. در لیما پایتخت پرو، صدها نفر از کارگران به کاخ ریاست جمهوری حمله کردند. در بولیوی هزاران کارگر در خیابانهای شهرهای مختلف اهیپامی کردند. هزار نفر کارگر کارمندانشاغل در بخش دولتی کلمبیا مجدداً و این بار برای مدت نامحدود دست به اعتضاب زندن.

### آکسیون بین المللی رانندگان کامیون و اتوبوس

به دعوت اتحادیه کارگران حمل و نقل ITF و شورای سراسری اتحادیه های کارگری حمل و نقل کشورهای اروپائی FST، صدها نفر از رانندگان کامیون های باربری و اتوبوسهای مسافربری روز ۸ سپتامبر دست به برپائی یک آکسیون جهانی زندن. در این روز رانندگان

اعتصابیون بسر کارهای خود بازگشته و در حال حاضر معلمین و کارگران خدمات زیر بنائی شهری هنوز در اعتضاب بسر میبرند.

### اعتراض کارگران به اخراج سازیهای اندک جنوبی

بهران ژرفی تمام تارو پود حیات اقتصادی کره جنوبی را در برگرفته است. مرکز مالی امپریالیستی، نظیر صندوق بین‌المللی پول، شرایط خود برای کمک به این کشور را اخراج کارگران یا به عبارت دیگر " تعدی اقتصادی " تعیین نموده است. این وضعیت، مبارزات کارگران و مقاومت آنها در برابر اخراج سازی ها تشید شده است. از جمله می‌توان به حرکات اعتراضی هزاران نفر از کارگران کارخانجات اتومبیل سازی Mando Machinery Co اشاره نمود. این کارگران در اعتراض به اخراج بیش از هزار نفر از اوائل اوت، با اشغال ۶ کارخانه این کمپانی، دست از کار کشیده و به همراه خانواده های خود در محوطه این کارخانجات تحصن نمودند. اما دولت سرکوبگر کره جنوبی روز اول سپتامبر با گسل بیش از ۱۴ هزار نفر مأمور پلیس ضد شورش تا دندر مسلاج زمین و هوا به محل تحصن کارگران پورش برده و کارگران متحصن را بیرون از کارخانه بیرون راند. در این حمله وحشیانه بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران اعتضابی دستگیر شدند.

علیرغم این پورش پلیس، کارگران این ۶ کارخانه تا روز ۱۵ سپتامبر به اعتضاب خود ادامه دادند. در این روز دولت این کشور موافقت نمود که دور جدیدی از مذاکرات بین نمایندگان دو طرف آغاز شود، که از تیجه آن هنوز اطلاعی در دست نیست.

### اعتضاب یکروزه ۲۰ هزار UNRWA

کارگر سازمان کمک رسانی UNRWA روز ۱۵ سپتامبر، بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران سازمان کمک رسانی UNRWA\_ وابسته به سازمان ملل متحد برای کمک به پناهندگان فلسطینی دست به یک اعتضاب یکروزه زندن. اعتضابیون خواستار افزایش مستمزدها، توقف استخدام موقعت کارگران به جای استفاده دائم و بهبود شرایط رفاهی برای ۲۵ میلیون نفر پناهندگان فلسطینی در کشورهای سوریه، لبنان، اردن و نوار غزه شدند. UNRWA اعلام نمود که بدليل کاهش بودجه بیش از ۸۵ میلیون دلار، قادر به پذیرش خواست اعتضابیون نخواهد بود، اما کارگران هشدار دادند که چنانچه تا ۲۸ سپتامبر با خواسته های آنان موافقت نشود، دست به یک اعتضاب نامحدود خواهند زد.

### اعتضاب ۴ روزه کارگران فرودگاه‌های یونان

روز ۲۴ سپتامبر هزاران نفر از کارگران فرودگاه‌های یونان در اعتراض به تصمیمات جدید دولت این کشور دست به یک اعتضاب ۴ روزه‌زندن. براساس این تصمیمات کارگران فرودگاه های یونان در ۴ گروه مجزا دسته بندی خواهند شد. دولت یونان اینکار را به بهانه افزایش خدمات و بهبود آن اعلام نمود، اما کارگران اعلام نمودند که این نخستین گام در روند خصوصی سازی بخششای مختلف دولتی است. با این اقدام، کارگران به گروههای کاری مختلف تقسیم شده و به این ترتیب از قدرت مقاومت و مبارزه متحده آنان کاسته خواهد شد.



### خبرگزاری کارگری جهان

#### تداوی اعتضابات

#### کارگری در آفریقای جنوبی

همانگونه که در شماره قبل نشانید کارآمد است، از اوخر مهاده اوت، ۶۰ هزار نفر از کارگران مرکز سرویس و تعمیر اتمبیل، فروش قطعات یکدیگر و بنزین در آفریقای جنوبی در اعتضاب بسر میبرند. همزمان با مخالفت اتحادیه کار فرماها با افزایش دستمزدها به میزان ۱۵ درصد، نمایندگان کارگران مذاکرات خود را نمایندگان کارگران تعطیل کرده و اعتضاب آغاز شد. روز ۳ سپتامبر در همین روز ۲ هزار نفر از کارگران اعتصابی، بیش از ۳۰ هزار نفر از کارگران صنایع اتومبیل سازی آفریقای جنوبی دست به یک اعتضاب یک روزه زندن. در همین روز ۲ هزار نفر از کارگران خطوط هوائی SAA متعلق به دولت این کشور نیز، با خواست افزایش دستمزدها به میزان ۱۲ درصد دست به یک اعتضاب نامحدود زندن.

### اعتضاب کارگران شرکت تولید آلومینیوم در آمریکا

با به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی، بیش از ۳ هزار نفر از کارگران Kaiser Aluminum، از روز ۲۰ سپتامبر دست به اعتصاب زندن. خواست اعتصابیون، توقف اخراج کارگران و افزایش دستمزدها به میزان ۱۰ درصد است. کارفرما در آغاز این حرکت تلاش نمود که با استفاده از کارگران بازنیشتنی کارمندان این شرکت، از توقف کامل تولید جلوگیری نماید. اما با مقاومت همه جانبی کارگران اعتضابی و اعتراض اتحادیه کارگران فلزکار آمریکا، کارفرما ناگزیر به عقب نشینی شد.

### اعتضاب کارگران و

**کارمندان بخش دولتی در اسرائیل**  
روز سوم سپتامبر بیش از ۳۰۰ هزار نفر از کارگران و کارمندان بخش دولتی دست به یک اعتضاب نامحدود زندن. این حرکت در پی به بن بست رسیدن مذاکرات بین نمایندگان دولتی آغاز شد. خواست اعتصابیون عبارت بود از : ۱- افزایش دستمزدها و حقوق ها ۲- اجباری شدن قراردادهای دارند، این دسته جمعی برای شاغلین در بخش دولتی.

در حال حاضر بیش از نیمی از شاغلین این بخش به صورت استخدام موقت از طریق دفاتر کاریابی خصوصی و یا لاز طریق قراردادهای فردی به کاراشتغال دارند، این اعتضاب، مرکز دولتی، ادارات پست، بیمارستانها، قطارهای شهری و بنادر این کشور بکل تعطیل شد. برغم مخالفت کار فرما، یعنی دولت اسرائیل، با خواست کارگران سراسری این روز ۱۰ سپتامبر نمایندگان اعتضابیون و دولت اسرائیل به توافقی دست یافتند که براساس آن با بخشی از خواسته های اعتصابیون موافقت شد. با حصول این توافقنامه، تنها بخشی از

## دهمین سالگرد

### قتل عام زندانیان سیاسی

بمناسبت دهمین سالگرد کشتارهای زندانی سیاسی توسط جمهوری اسلامی، مراسم یاد بوداین جانباختگان در کشورهای مختلف برگزار گردید.

**هلند:** روز ۱۲ سپتامبر، میزگردی با شرکت ۶ تن از زندانیان سیاسی ای که سالها در زندان های جمهوری اسلامی بسر برده اند، برگزار شد. سخنرانان هر یک با ذکر خاطرات خود، گوشه هائی از جنایات رژیم را بر ملا کردند. در این مراسم ۷۰ تن شرکت کردند.

**فرانسه:** مراسم یادبود جانباختگان قتل عام زندانیان سیاسی در روز ۱۹ سپتامبر به دعوت انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و با شرکت بیش از ۲۵۰ تن برگزار گردید. این برنامه شامل ارائه گزارشی از سرکوب زندان و اعدام در یکسال گذشته، سخنرانی و نمایش فیلم مستند "ستگسار" بود. پایان بخش برنامه، اجرای قطعات موسیقی بود. ضمناً بیش از ۴۰ انجمن و تشکل دمکراتیک و چند سازمان سیاسی ایران پیام هائی برای مراسم فوق ارسال نموده بودند.

**سوئیس:** کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبعد) در دهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی، سمینار بین المللی در باره حقوق بشر، زندان، شکنجه، اعدام، شرایط زنان و نوجوانان، در روزهای اول و دوم اکتبر در استکلهلم برگزار نمود. در این سمینار ۲ تن از زندانیان سیاسی، از بند زنان زندان اوین و بند مردان زندان گوهردشت سخن گفتند. موقعیت فویسندگان و قلم و بیان در ایران و وضعیت زنان و نوجوانان از دیگر تم های مورد بحث در این سمینار بودند. همچنین مسئول عفو بین الملل سوئیس یکی از نمایندگان پارلمان سوئیس پیرامون نقض مکرر حقوق بشر در ایران مطالبه ایراد نمودند.

پایان بخش این سمینار دو روزه که مجموعاً با شرکت ۵۰۰ تن همراه بود، برنامه هنری بود.

### اشغال سمبیلیک مرکز رادیو آلمان در برلن در اعتراض علیه شرکت خاتمی در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد

روز ۲۱ سپتامبر همزمان با شرکت خاتمی در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، مرکز رادیو آلمان در برلن بطور سمبیلیک اشغال شد. کمیته اعتراض علیه شرکت خاتمی در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد برلن با انتشار اطلاعیه مطبوعاتی، خواستار انعکاس و سیع موارد نقض حقوق بشر در ایران توسط رسانه های گروهی و محکوم کردن شرکت خاتمی در اجلاس عمومی سازمان ملل شد.

### "آزادی" سندیکالیست ها در کشور "مهد تمدن و آزادی ها"!

فاروق خالدی کارگر ۴۸ ساله ای استکهار ۲۴ سال قبل در یکی از کارخانه های پژو در شهر سوشو فرانسه کار میکند. او پس از ۲۴ سال کار، دستمزدی برابر با ۳۶۰ فرانک در ماه میگیرد. این درحالیست که همکاران او که دارای همان سطح مهارت و سابقه کارهستند بین ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ فرانک بیشتر در ماه دریافت می کنند. دلیل پائین بودن دستمزد فاروق این است که او عضو سندیکای (ث. ت.) است و زیر دستان کار فرمایان باره باه او گفته اند: "توازن روزی که وارد سندیکا شدی کار خود را خراب کردی". ولی فاروق افتخار میکند که سالهاست از حقوق خود و همقطارانش در اتحادیه دفاع کرده است.

### خروج کارگران در انگلستان

بدنبال تعطیل تعادی از کارخانجات در نواحی مختلف انگلستان، صدها کارگر اخراج شدند. قریب به هزار کارگر کارخانه تازه تأسیس زیمنس در منطقه تاین شمالی در انگلستان که به تولید چیپ کامپیوتر می پرداخت، در نتیجه تعطیل شدن این واحد تولیدی بیکار شدند. وضعیت مشابهی نیز در انتظار ۶۰۰ کارگر کارخانه جدید التاسیس فوجیستر در شمال انگلستان است. شرکت ویکرز نیز اعلام نمود که با تعطیل کارخانه تانک سازی شهر لیدز، تمامی ۴۵۰ کارگر آن اخراج خواهند شد.

**توضیح و تصحیح:**  
در شماره ۳۱۶ نشریه کار، بخش اخبار کارگری جهان "کار فرمایان آمریکائی" "دیسنسی لند" اشتباہ است و صحیح آن "پارک آمریکائی" "دیسنسی لند" میباشد. در شماره ۳۱۷ نشریه کار نیز در خبر "مشاغل خطرناک... تعداد رقم ۲۰ هزار اشتباہ است و صحیح آن ۵۲۰ هزار میباشد.

در مرز های کشورهای مختلف اروپائی، آفریقائی و آمریکای لاتین با توقف کامیونها و اتوبوسهای خود پخش اعلامیه تلاش نمودند که صدای خود را به گوش دیگران برسانند. این آکسیون در اعتراض به ساعت کار طولانی و طاقت فرسای رانندگان انجام گرفت. در حالیکه برطبق قولانین بین المللی ساعت کار هفتگی رانندگان راه دور باری و مسافری حداقل ۴۸ ساعت میباشد، اکنون ساعت کارهفتگی ۸۰ تا ۱۰۰ ساعت، امری عادی شده است. نتیجه مستقیم این امر، افزایش سوانح ناشی از خستگی رانندگان بوده است. تنها در اسپانیا در طول سال گذشته، ۶ هزار راننده اتوبوس و کامیون در اثر تصادف جان خود را ازدست داده اند.

### اجلاس مشورتی کارگران

**دو کارخانه اتومبیل سازی در فرانسه**  
روز ۲۲ سپتامبر، نمایندگان عضو ث. ت. دو کارخانه اتومبیل سازی رنو پژو با هم دیدار کردد تا در مرور دمطاليه، "قوانین واحدي براي کارگران اتومبیل" مشورت کنند. در پایان این ملاقات، نمایندگان کارگران اطلاعیه مشترک را صادر نمودند که در آن نوشته شده: "سود پژو و رنو باید در خدمت ایجاد شغل و افزایش دستمزد ها باشد... آنان افزایش ۳۴۰ درصدی سود پژو برای رنو با ۲/۲ میلیارد فرانک و ۱۶۰ درصدی رنو برای رنو ۴/۴ میلیارد فرانک را بادآوری کردند و میگویند "ماخواهان پایان دوره ای کارگران متخصص همیشگی و کارآموزی و افزایش دستمزد ها برای همه کارگران هستیم".

### اعتراض کارگران علیه

**اخراج سازی در کارخانه "ژیات"**  
روز ۲۴ سپتامبر بیش از ۵۰۰ تن از کارگران ژیات در مقابل وزارت دفاع در پاریس دست به تظاهرات زندن. ژیات قصد دارد بین سالهای ۹۹ تا ۲۰۰۲ سه تا پنج واحد از چهارده واحد تولیدی خود را تعطیل کند. با این تعطیلی ها، ۳۵۵ کارگر از ۱۰۳۰ کارگر فعلی این شرکت اسلحه سازی فرانسه بیکار خواهد شد. (ث. اف. د.ت) (او. و. ث. اف. او) فراخوان تجمع در مقابل وزارت دفاع را دادند و در همین حال (ث. ت. د. ت) ۳۰۰ تن از کارگران عضو خود را در نقطه ای دیگر برای اعتراض در همین روز دعوت کرده بود.

### حق اعتراض و ایجاد تشكل های

### مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتراض و تشكیل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است. سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلا درنگ حق اعتراض و حق ایجاد تشكل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

مرگ بر نظام سومایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت سورائی



## زنان و حاکمیت اسلام ناب در افغانستان

خانواده در خیابانها ممنوع است. تردد طی ماه رمضان بکلی در معابر عمومی ممنوع میباشد. حمام های زنانه تعطیل شده است ... در ماه مه سال جاری، هزاران زن در مغازه ها، خیابانها و ایستگاههای اتوبوس دستگیر و زندانی شده اند. رانتگان تاکسی که زنان را سوار کرده و فروشندگان مغازه هایی که زنان را به داخل راه داده اند نیز در امان نمانده اند. این مردان نیز بخارط سرپیچی از مقررات اعلام شده توسط طالبان بد ۲۹ تا ۹ ضربه شلاق محکوم شده اند. "گزارش عفو بین الملل به یکی دیگر از موارد قساوت اشاره میکند: "در منطقه خایرخانه، انگشت شصت دست زنی، بخارط داشتن لاک ناخن قطع شده است. نیروهای طالبان با مردم عفو بیمارستانی در زندگی محل، پیشکش چراخی را بازور و ادار کرده اند که انگشت زن را قطع کند." سرانجام عفو بین الملل، گزارش سالانه خود را با ذکر موردي از سنجکسار یک زن دراستان "لهمان" - واقع در شرق افغانستان - به پایان میرساند.

روندو قایع در افغانستان نشان میدهد که چگونه طالبان ظرفیت کوتاهی حاکمیت اسلام ناب را بیش از گذشت در مناطق تحت سلطه خود بقرار کرده است. آنچه طالبان به انجرام رسانده، همان راویها او را زوهایی است که دسته جات و گروههای حاکم در ایران در سرداشت و دارند. تقاویت تنها در مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در ایران و افغانستان است که در یک جا زشتبا و سرعت تحقق اسلام ناب می کاهد و در جانی دیگر به آن میافزاید نقض ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی، ارمغانی است که اسلام ناب با خود به همراه می آورد.



## ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

رژیم جمهوری، اسلامی زنان را در معرض بیحرمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ست، تبعیض و فشار قرار داده است. رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتقایی و با ایجاد محدودیت ها و تضییقات مختلف، زنان را از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دو تبدیل کرده است.

سازمان فدائیان (اقیلت) میگوید:

- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فورا ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان بروخودار گردند.
- تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، مقررات جنایی و سربرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات اتفاقات سروکیگانه و وحشیانه نظری شلاق، سنگار وغیره باید به فریت ملغا گردد.
- باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده منمنع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.
- زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی بروخودار باشند.
- زنان از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکها در محل کار و زندگی بروخودار باشند.
- به زنان باردار یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با بروخوداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی ریگان، مرخصی داده شود.
- کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آوراست ممنوع شود.

سازمان فدائیان (اقیلت)

کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

### اطلاعیه

## سرکوب و اخراج

### پناهندگان افغانی را

### محکوم میکنیم

در روزهای اخیر، گروههای حزب الهی وابسته به جمهوری اسلامی، حملات وحشیانه ای را در چند شهر ایران به پناهندگان افغانی سازمان داده اند. آنها به مراکز پناهندگان یوشن بوده اند و با استفاده از سلاح سرد و گم به کشتار و سرکوب پناهندگان افغان دست زده اند. در اصفهان، این باندهای مرتاج به روی پناهندگان آتش گشوده اند که در نتیجه آن دهها تن کشته و یا شیلیدا زخمی شده اند. مسئولیت این کشتار و سرکوب بر عهده رژیم جمهوری اسلامی است که خود سازمانده اصلی و پشت پرده این حملات می باشد.

جمهوری اسلامی که حتی قبل از وقایع اخیر، از حدود دو ماه پیش سیاست سرکوبگانه دستگیری و اخراج پناهندگان افغانی را به مورد اجرا گذاشده بود، امروز به این سیاست سرکوبگانه ابعاد نوینی داده است. رژیم جمهوری اسلامی از یکسو میکوشد با تبلیغات زهرآگین خود، به سیاست شوینیستی نفرت از مردم افغانستان در میان مردم ایران بزند و از سوی دیگر در تلاش است با توصل به شیوه های سرکوبگانه روزهای اخیر، پناهندگان افغانی را وادار نماید که با وارد شدن به گروههای نظامی که رژیم سازماندهی کرده است، آنها را به گوشت دم توب سیاستهای تجاوز کارانه و جنگ طلبانه خود تبدیل کند. زحمتکشان ایران باید قاطعه ای این سیاستهای ارتقایی جمهوری اسلامی را محکوم کنند. پناهندگان افغانی زیر فشار جنگ و بدیختی و مصالحتی که گروههای اسلام گرای مرتاج افغان آفریده اند، ناگزیر به اقامت در ایران شده اند. این پناهندگان که اکثر آنها را کارگران تشکیل میدهند، گشته از سرکوبگریهای رژیم جمهوری اسلامی، در معرض وحشیانه ترین استثمار سرمایه داران قرار داشته اند. سرمایه داران ایران در ازای مستمرد بسیار نازلی پست ترین و شاق ترین کارها را بر عهده آنها قرار داده اند. لذا کارگران و زحمتکشان ایرانی میدانند که کارگران افغانی برادران و هم زنجیران آنها هستند و دشمن واحدی دارند که همانا سرمایه داران دو کشور و دولتهای پاسدار منافع آنها در ایران و افغانستان است.

توده های زحمتکش مردم ایران هیچ خصوصت و دشمنی با توده های زحمتکش افغانی در ایران نداشته و ندارند. سرکوب کارگران و پناهندگان افغانی کار خود رژیم جمهوری اسلامی و باندهای حزب الهی وابسته به آن است. سازمان فدائیان (اقیلت) اقدامات سرکوبگانه اخیر، یوشن به مراکز پناهندگان افغان، ضرب و جرح و کشتار آنها را قویا محکوم میکند، و از همه نیروهای آزادیخواه و انسان دوست نیز میخواهد که این اقدامات وحشیانه علیه پناهندگان افغان را محکوم کنند.

سازمان فدائیان (اقیلت)

۱۳۷۷/۶/۲۶

## تروور لاجوردی، یک خاصیت، یک نکته!

قلب کنندو کراحت آن را از انتظار پنهان نمایند. حادثه ترور لاجوردی اما یکبار دیگر هم شنان داد که سران جمهوری اسلامی ولو بنا به مصلحت یا بسته به توازن قوای موجود، گرچه از "سرشناسی"! ازین یا آن جناح را که مردم بشدت از آنها متغیر میکردند از جلو صحنه دور و یا برکار میکنند، اما این موضوع مطلاقاً به معنای نفی اقدامات و خدمات چنین عناصری نیست. آنها در هر حال بر سراین قضیه متفق القولند که عناصری از این دست بالاده این خدمات خود، با خشونت و وحشیگری خود بیشترین خدمات را به "اسلام" و تحکیم جمهوری اسلامی انجام داده اند و جملگی، آن را تائید میکنند و قدرشناس آن هستند! و بدراستی مگرنه اینست که لاجوردی در زمرة بهترین فرزندان و یاران خینی بنیان گذار حکومت اسلامی و از نزدیک ترین افراد و پیروان مونم به او بوده است و در کشتار "کفار و منافقین" و تحکیم حکومت اسلامی هرچه داشته درطبق اخلاص گذاشت است؟

اسداللادلاجوردی بی شک در زمرة منفور ترین عناصر رژیم بودو اگر هم زنده میماند سرانجام همان مردمی که از او متفرق بودند وی را به جرم ارتکاب جنایات بیشمارش محاکمه و بسازی اعمالش میرسانند. نکته این است کاماً لاجوردی عنصر منحصر بفردی نیست. درستگاه حکومت اسلامی کم نیستند عناصری از نوع لاجوردی. لاجوردی، گیلانی، خلخالی، جنتی، غفاری، خزرعلی، رضائی، عسگر اولادی، رفیق دوست، مصباح رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد؟

## سلمان رشدی قربانی دیپلماسی قدرتهای اروپائی

و حشیانه ترین ستم و سرکوب قرار ندارندو . . .

جنجال تبلیغاتی هم که اخیراً در پی مذاکرات دولت انگلیس با وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد ختم ماجراجی سلمان رشدی در کشور های جهان برآمد افتاد، باید مذکور باشد تا بار دیگر پرتوی بر ماهیت واقعی او و سایر طرفداران حکومت مذهب و رژیم ولایت فقیه اندخته باشد و اینها را بخود آورد . این ها که از دستگردی فرج سرکوهی و ماجراهایی که رژیم دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی اش برای او و سایر نویسندها بوجود آوردن، چیزی نیامورخندند، باید دید آیا زاین قضیه درسی خواهد گرفت؟ آیا بالآخره باین مسئله پی خواهند برداشت که هیچ راه دیگری جز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد؟

قدرتها بزرگ جهان سرمایه داری بهویژه کشورهای اروپای غربی برای بهبود مناسبات دیپلماتیک سیاسی با جمهوری اسلامی با یکدیگر به مسابقه در برخاسته اند. آنها در این مسابقه برای بهبود مناسبات با توسل به بیشترمانه ترین شیوه قلب واقعیات و دروغ پردازی های حیرت آور، می کوشند مواعن م وجود را از سر راه بردارند. اگر ماهیت فوق ارجائی، ضد انسانی و سرکوب گرانه حکومت اسلامی در مقیاس جهانی افشاء شده است و اگر افکار عمومی در اغلب کشور های جهان در برابر گسترش مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی است، دستگاههای تبلیغاتی قدرت های بزرگ جهان در تلاش اند تا با زور تبلیغات، چهره کریه حکومت اسلامی را بزک کنند و مانع افکار عمومی را از سر راه بردارند، یک سال تمام است که رسانه های گروهی جهان از بهبود اوضاع در ایران به دنبال انتخاب خاتمی سخن میگویندو با تبلیغات دروغین خود چنان مردم را بمبازان کرده اند که براستی هم تعداد زیادی از مردم کشورهای جهان تصور میکنند که در ایران اوضاع بهبود یافته است. دیگر جمهوری اسلامی وحشی و خونخوار بر سر کار نیست . دیگر حقوق انسانی لگد مال نمی شود، دیگر انسانها اعدام نمی شوند، دیگر زندانها انباشته از مخالفین سیاسی نیست، دیگر زنان در معرض

را بردارند. دولت انگلیس که در جریان رقابت برای تقسیم بازار ایران از دیگر قدرتهای امپریالیست اروپائی عقب مانده بود، برای جبران این عقب ماندگی دست به کار شد. مذاکراتی میان دولت انگلیس و جمهوری اسلامی پیش از اجلاس اخیر مجمع عمومی سازمان ملل انجام گرفت و در پی اجلاس مجمع عمومی وزرای خارجه دو کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی به گونه ای رفتار کردند که گویا مسٹله سلمان رشدی هم حل شده است. از جانب دولت انگلیس تبلیغات وسیعی هم در مردادین مسئله صورت گرفت. بدون اینکه جمهوری اسلامی فتوای قتل سلمان رشدی را ملغاً سازد و بدون اینکه وزیر خارجه حکومت اسلامی در واقع حرف تازه ای بزند و موضع جدیدی اتخاذ کند، دستگاههای تبلیغاتی کشورهای اروپائی ادعا کردند که ماجراجی فتوای قتل سلمان رشدی به اتمام رسید. جمهوری اسلامی تعهد کرده است که کسی را برای قتل وی مامور نکند و رابطه ای با ماجراجی تعیین جایزه برای قتل سلمان رشدی نداشته باشد.

واقعیت امر این است که در این گفتار هیچ چیز تازه ای نیست و جمهوری اسلامی همان مواضع گذشته خود را تکرار کرده است. عین همین حرف ها را قبل از فسخانی و وزیر خارجه او ولايتی نيز زده بودند. آنها نيز میگفتند که دولت کسی را برای قتل سلمان رشدی مامور نخواهد کرد و تعیین جایزه برای قتل وی نيز بطيء به دولت ندارد. در آن زمان که هنوز سیاست دولت های اروپائی بهبود همه جانبه مناسبات با جمهوری اسلامی نبود، کسی این حرفا را جدی نگرفت و کسی ادعا نکرد که ماجراجی قتل سلمان رشدی خاتمه یافت. پر واضح است که جمهوری اسلامی آنقدرها هم احمق نیست که اعلام کندکسی را برای کشتن رشدی مامور میکند و یا برای این قتل خود راساً جایزه تعیین کند. چنین اقدامی مستلزم واکنش بین المللی شدیدی علیه آن است. جمهوری اسلامی همین کار را مخفیانه و از طریق امکانات گستره خود انجام میدهد. جمهوری اسلامی حتی در مورد ترور مخالفین خود در خارج از کشور نيز هیچگاه رسماً اعلام نکرد که تروریستهای خود را برای کشتن آنها اعزام می دارد، اما در عمل همین کار را کرد. هنگامی هم که برغم استفاده از پیچیده ترین تاکتیکها و از جمله استفاده از تروریستهای اسلامگرای کشور های دیگر، در دادگاه برلین ثابت شد که جمهوری اسلامی سازمانده ترورهای سران مردم رژیم خود راساً دستور این ترورها را صادر می کنند، باز هم جمهوری اسلامی ندیرفت که دست به اقدام وحشیانه ترور و کشتار مخالفین خود در خارج از کشور زده است. بنابراین بدیهی بود که کسی این حرفا را جدی نگیرد. عین همین استدلال در مورد تعهدات خاتمی هم صادق است. در ضمن این ادعای سران حکومت مبنی براین که تعیین جایزه برای قتل رشدی بطيء به دولت جمهوری اسلامی ندارد، ادعائی پوچ و بی معناست. بنیاد ۱۵ خرداد یکی از نهادهای وابسته به

## جنایات بی شمار جمهوری اسلامی تجسم «اسلام مترقی» خاتمی است

خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی جهت شرکت در پنجه و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل وارد نیویورک شد. هیاتی از مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی او را همراهی می کند. از منتها قبل، جناح های طرفدار خاتمی در داخل ایران، دولتهای امپریالیستی و رسانه های گروهی وابسته به آنها، دلالان سیاسی، استحاله طبلان و تمامی کسانی که آزو دارند جمهوری اسلامی را غاصلاً کنند تا تداوم حاکمیت آن تضمین شود، یک صدا تبلیغ می کنند که سفر خاتمی به نیویورک نقش مهمی در بهبود روابط جمهوری اسلامی با غرب و به ویژه آمریکا خواهد داشت. خاتمی خود نیز قبل از ترک تهران در مصاحبه ای با خبرنگاران اعلام کرد که می خواهد پیام غاسلام مترقی را که غصلیح است، به گوش ملتها برساند. او گامی فراتر نهاد و از غعزت انسان و رعایت حقوق هم جانبه انسانی سخن گفت. هر آنچه که خاتمی برای بزرگ کردن چهره کرده حکومت اسلامی، از غعزت انسان و رعایت حقوق هم جانبه آن سخن پکید، بهترین ملاک قضاؤت در این باره، عملکرد جمهوری اسلامی است. نفس وجود حکومت اسلامی، ولایت فقیه و حاکمیت روحاً بین مرتعج، بالاترین توهین به غعزت انسانی و تحفیز منزلت انسان است. خاتمی رئیس جمهور حکومتی است که مردم ایران را از ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی محروم ساخته است، حکومتی که شخصیت زن را لگد مال کرده است، حکومتی که سرکوب، ارعاب، تور و دشت، اجزای لا یینجرای موجودیت آن هستند.

حکومت اسلامی که خاتمی رئیس جمهور آن است، چنان شرایطی را ایجاد کرده است که بخش اعظم توده مردم ایران به فقر و تنگیستی کشیده شده اند. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران حتی از تأمین حداقل مایحتاج خود محرومند. میلیون ها کودک خانواده های کارگران و زحمتکشان از بهداشت، آموخته، تغذیه و درمان نقصی نمی برند. هزاران کودک حتی به غذای کافی دسترسی ندارند، آنگاه خاتمی از غعزت انسان و رعایت حقوق هم جانبه آن سخن می گوید.

در حکومت اسلامی، آزادی های فردی و اجتماعی محلی از اعتبار ندارد. کارگران از حق ایجاد تشکل های مستقل خویش محرومند، حق تشکیل احزاب و اجتماعات و حق ابراز آزاده عقاید وجود ندارد.

آقای خاتمی بر کرسی ریاست جمهوری حکومتی تکیه زده است که زن را نیم انسان تلقی می کند، در حکومتی که وی پاسدار و کارگزار آن است. حیات و ممات زن در دست پدر و شوهرش است، زنان بدون اجازه پدران و شوهرانشان حتی اجازه مسافرت، تحصیل و کار ندارند. آنان از حق سرپرستی فرزندانشان محرومند. حجاب اجباری. تحملی شده از سوی حکومت، بزرگترین تحفیز و توهین به زنان، نیزی از جمیعت ایران است.

خاتمی رئیس جمهور حکومتی است که نام آن با جنگ، کشتار، شکنجه و اعدام متراff است. این حکومت با تحمیل سال جنگ به توده های مردم ایران، هزاران تن از جوانان را به مسلح جنگ فرستاد، صدھا هزار کشته و معلول، کارنامه جنون جنگ طلبی این رژیم است. در حالیکه هنوز آثار و تعیبات جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بر زندگی مردم سنتگی می کند، سران رژیم باز در صندوق برای غله بر بحرانهای داخلی، انحراف از ادھان عمومی و تشیید جو سرکوب و اختناق، جنگی دیگر را این بار با مرتجلین حاکم بر افغانستان تدارک پینند.

علاوه بر کشتار جوانان در جنگ، ده ها هزار تن از مخالفین رژیم و نیروهای مترقبی و اقلایی در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند. تنها در تابستان ۶۷، جلادان حامل غاسلام مترقی، هزاران تن از زندانیان سیاسی را بطور دسته جمعی به قتل رسانند و آنها را در گورهای دسته جمعی دفن نمودند. درست در ده میهن سالروز این جنایت فجیع است که آقای خاتمی از غاسلام مترقی، از غصلیح و از غعزت انسانی در جمهوری اسلامی سخن می گوید. روند دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفین، در دوره ریاست جمهوری ایشان تیز یک دم قطع نشده است.

طی یک سالی که از ریاست جمهوری خاتمی می گذرد، تلاش می شود تا از وی چهره ای اساساً متفاوت از سایر سردمداران جمهوری اسلامی ترسیم شود. چنین وانمود می شود که وی طرفدار آزادی و دمکراسی است، حال آنکه دفاع او از حکومت اسلامی و ولایت فقیه، بازترین نمود دشمنی او با آزادی و دمکراسی است. کدام مدافعان آزادی و دمکراسی می توانند از ترور، شکنجه و اعدام مخالفین رژیم دفاع کند؟

در آزادیخواهی خاتمی و امثال او همین بس که یادآوری شود وی در توصیف لاجوردی، این جنایتکار کثیف که مسئول قتل هزاران تن از مخالفین رژیم است او را غسرباز سخت کوش انقلاب و خدمتگزار مردم و نظام نامید. تلاشی های گسترده محافل امپریالیستی، سران جمهوری اسلامی و همه مدافعان این رژیم، در وارونه جلوه دادن حقایق و آرایش چهره حکومت اسلامی راه به جانی نخواهد برد. حکومت جمهوری اسلامی، دشمن آزادی و دمکراسی است. این رژیم ارتجاعی جز سرکوب و خفغان، استثمار و بی حقوقی شمری برای کارگران و زحمتکشان ایران نداشته است. از اینرو مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه رژیم و سیاستهای ارتجاعی آن تداوم خواهد بیافت.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**  
**زنده باد سوسیالیسم**  
**نشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلت)**  
 ۹۸ سپتامبر

## سلمان رشدی قربانی . . .

دستگاه حکومت اسلامی است. مگر ممکن است در جمهوری اسلامی نهاد یا ارگانی از این دست بدون تائید و حمایت رژیم بتواند شکل بگیرد و یا به فعالیت خود ادامه دهد؟ قطعاً پاسخ منفی است. اگر ادعای رفسنجانی و وزیر خارجه او در این مورد، پوچ و بی اساس بود، در مورد خاتمی و وزیر خارجه او نیز صادق است. بنابر این تفاوتش میان حرفها و تعهدات رفسنجانی و خاتمی در این مورد نیست. حتی اگر فرضاً کسی تصور کند که کابینه خاتمی مخالف این فتواست و یا این که جدا از جانب کابینه او خطی جان رشدی را تهدید نمیکند، این مساله به جای خود باقی است که کابینه خاتمی دولت جمهوری اسلامی نیست بلکه تنها جزئی از این دستگاه است. دولت مقدم بر هر چیز یعنی نیروهای مسلح حکومت، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی، ارتش، دستگاه های اطلاعاتی و جاسوسی، دستگاه قضائی و . . . و این دولت عجالتاً تحت کنترل جناحی است که هم اکنون آشکارا اعلام میکند، فتوا به جای خود باقی است و رشدی را به قتل خواهد رساند. وقتی که روز روشن و سط مراسم تشییع جنازه ای که رژیم آن را سازمان داده، دو تن از اعضاء کابینه خاتمی را گتک میزنند، چگونه او میتواند به نام رژیم جمهوری اسلامی تعهد بسپارد که این رژیم کسی را مامور قتل سلمان رشدی نخواهد کرد. از این جهت نیز روشن است که هیچ تضمین جدی داده نشده و جان سلمان رشدی همچنان در خطر است.

بعید است که دولت انگلیس یا دیگر دولتها اروپائی این را ندانند یا نفهمند. اصل مسئله این است که رشدی قربانی دیپلماسی کشورهای اروپائی برای بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی است. دولت انگلیس دنبال بهانه ای بود تا به نحوی مستادرشدن رامختوهماعلام کند و مناسبات دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی ارتقاء بخشد. چرا که از طریق ارتقاء مناسبات دیپلماتیک سیاسی است که میتواند مناسبات اقتصادی خود را با رژیم جمهوری اسلامی بهبود بخشد. سهمی بیشتر از بازار ایران بدست آورد و سودهای کلانی ایجاد انصهارات انگلیسی سازد.

این انگیزه اصلی دولت انگلیس از مختصمه اعلام کردن مسئله رشدی است. اما در این میان سیاست دیگری را نیز دنبال میکند. تمام قدرتلهای جهان سرمایه داری، روی خاتمی سرمایه گذاری کرده اند. آنها مصمم اند به هر طریق ممکن از او حمایت کنند و تقویت اش نمایند. آنها در جهت پیشبرد این سیاست، میکوشند مناسبات همه جانبه ای با جمهوری اسلامی برقرار کنند و موضع خاتمی را تقویت نمایند. انگلیس هم در جهت پیشبرد این سیاست گام برمی دارد. در اینجا هم می بایستی مانع رشدی برداشته میشند. مسئله رشدی بدبینطریق حل شد که قربانی دیپلماسی قدرتلهای جهان سرمایه داری شد.

## یاد داشتهای سیاسی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

## تُرور لاجوردی ، یک خاصیت ، یک نکته !

محافظ در داخل یا خارج کشور که شعارهای کلی (وقت خالی) خاتمی دل آنها را ریبوده بود و در واقع امر اینها دل به "آزادیخواهی" و "جامعه مدنی" خاتمی بسته بودن، وقتی که دیدن جتاب آقای خاتمی هم از این جlad و از این شکجه گرو قاتل دهها هزار انسان انقلابی و مبارز به نیکی یاد میکند و هم صدا با سایر سرکوب گرانی که حرف خود را در زدن گرد و قطع زبان ، صریح و بی پرده گفته بودند و می گویند، به تمجید از و پرداخته این عصر منفور را "از سربازان سخت کوش انقلاب اسلامی" می خواند، بنگاه بهت و حریتی (البته ناجا!) سرتاپی آنها را فراگرفت و عرق سردى بر تما پیکر آنها شست!

این عناصر و محافظ شبه لیبرال و خوش خیال که تمام از روح و خیال غوطه ور بودند و در همین وهم و خیال، از آخوند خاتمی فردی آزادیخواه ساخته بودند ، انتظار چنین موضوعگیری و برخوردي را نداشتند. انتظار آنها چنین بود که آقای رئیس جمهور، نفرت و انجاز عمومی از این عنصر زدن و پلیدرا در نظر بگیرد و حداقل آنکه در برابر این حادث سکوت اختیار کند نه آنکه در تعریف و تمجید ازاو با الله کرم و عسکر ارادی و ناطق نوری هم صدا شود.

لاجوردی جلا بعد از آنکه در مقام "دادستانی انقلاب"، رئیس زندان اوین و سرپرستی کل زندانها، بعنوان یکی از سربازان سخت کوش انقلاب اسلامی" ، با قلع و قمع کمونیست ها و سایر نیروهای مبارز و مخالف رژیم، خدماتش را به "اسلام" انجام داد ، اسفند ۷۶ یعنی حدود ۶ ماه بعد از روی کار آمدن خاتمی و در حالیکه از چنگالها و پوزه اش خون می چکید، کنار گذاشتند. سران حکومت اسلامی در همان حال که سپاه زندان و شکجه و اعدام را توسط سایر دز خیمان و برادران دینی لاجوردی بريا نگاه داشتند ، همزمان با مدین در شیپور "توسعه سیاسی" لاجوردی را زجلو صحنه خارج ساختند تا شاید با حذف این چهره کریه، چهره رژیم را پیغایند و ارجاع اسلامی و حکومت مذهب را

صفحه ۱۴

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
آدرس زیر ارسال نمایند.

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

تُرور اسدالله لاجوردی، سرجلاجد اوین، از تاثیر آن بر اشاره مختلف مردم و عکس العمل آنها که بگذریم، اظهار نظرهای متفاوتی را در پی داشت و بحثهای زیادی را نیز هم در درون جناح بندی های رژیم و هم در میان پارهای محافظ اپوزیسیون دامن زد. این بحثها و اظهار نظرهای اینها به همان سرعتی که زمینه طرح یافته و در رسانه های گروهی به آن دامن زده شده بود، به همان سرعت هم از التهاب افتاده به خاموشی و یا تقریباً به خاموشی گراید. یک چیز اما در این میان به جلو چشم کسانی که عادت کرده اند چشم های خود را بر روی واقعیت های مرتبط با ماهیت ارجاعی و سرکوب گرانه جمهوری اسلامی فرو بینند، پرتاب شد و باقی ماند. موضوعی که نه خاموشی پذیر بوده است و نه پنهان کردنی که بر عکس در چنین لحظات و موقعیت هایی و بیویژه با حادتر شدن بارزه سیاسی و رودروروئی مردم با رژیم و در یک کلام با جلو رفتن مبارزه طبقاتی، از قبل هم روش تدریم عرض دید همگان قرار می گیرد، عربیاتر شدن ماهیت ارجاعی و سرکوب گر تمامی عناصر ریزو درشت حکومت اسلامی است و لو کسانی که با داعیه "آزادیخواهی" به صحنه آمده باشند و شعارهای را نیز به قصد تحقیق و فریب مردم و رد زبان خود ساخته باشند و فزون براین، اثبات مکرر اویی بودن امید افراد و محافظی است که به خطابه چنین کسانی بسته اند . قتل اسدالله لاجوردی، این جانور کثیف ، اگر هیچ خاصیت دیگری هم نداشته باشد، دست کم مترقب این خاصیت بود.

بلافالسه بعد از این حادث، همانطور که شاهد بودیم سران رژیم یکصد از مرگ این دز خیم پلید گریستند و در ستایش او بعنوان یکی از "یاران صادق امام" و "از چهره های منور انقلاب" سخن گفتند و ضمن تأیید "خدمات" اش به "اسلام" ، جملگی با اظهار حق شناسی به تعریف و تمجید از او پرداختند . این تعریف و تمجید ها از جانب خامنه ای ، رفسنجانی ، جمعیت موتلفه گرداندگان روزنامه رسالت و امثال آنها، البته بسیار طبیعی بود. اما آنسته از افراد و

## شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

E-Mail: پست الکترونیک

[info@fedaian-minority.org](http://www.fedaian-minority.org)

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 318 oct 1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق